

# روابط دفاعی ایران و روسیه و تأثیرات آن بر امنیت منطقه

مهدی امیری\*

تاریخ پذیرش ۸۷/۱۱/۵

تاریخ دریافت ۸۷/۹/۶

در دو دهه گذشته همکاری‌های دفاعی و نظامی ایران و روسیه رشد فراوانی داشته است، به نحوی که بررسی جامع و کامل روابط آنها در سال‌های اخیر مستلزم توجه دقیق به این بخش از همکاری‌های دو کشور است. شماری از ملاحظات و مؤلفه‌های داخلی و همچنین منطقه‌ای و بین‌المللی، محرک ایران و روسیه برای بسط روابط دوجانبه در حوزه دفاعی بوده‌اند. این در حالی است که پایداری بخش عمده‌ای از این ملاحظات، چشم‌انداز روشنی را از امکان توسعه تعاملات و همکاری‌های دفاعی و نظامی آنها در آینده ترسیم می‌کند. افزایش این همکاری‌ها علاوه بر توسعه سطح استراتژیک روابط دو کشور می‌تواند در بردارنده آثار منطقه‌ای عمده‌ای باشد و مشخصاً تغییراتی را در نظام امنیت حوزه اوراسیای مرکزی (آسیای مرکزی و قفقاز) پدید آورد.

**کلیدواژه‌ها: ایران؛ روسیه؛ روابط دفاعی - نظامی؛ نظام امنیتی؛ اوراسیای مرکزی**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* پژوهشگر ارشد دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: m\_amiri2000@yahoo.com

## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدراتیو روسیه در طول سال‌های پس از فروپاشی شوروی روابط دوجانبه گسترده و روبه‌رشدی داشته‌اند. جدا از ملاحظات و الزامات جبری ژئوپلیتیک نظیر تأثیر متغیر همجواری، توسعه روابط دو طرف در سال‌های گذشته محصول و معلول شمار دیگری از متغیرهایی بوده است که تحت تأثیر شرایط حاکم بر سیاست بین‌المللی قوام یافته‌اند. روسیه پس از فروپاشی شوروی در تلاشی بنیادین برای بازیابی هویت تاریخی و بازتعریف الگوهای سیاست خارجی خود، اعتباری اساسی برای رویکرد اوراسیاگرایی قائل شد و در چارچوب اجرای این رویکرد استراتژیک، توسعه روابط با ایران را مدنظر قرار داد. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز در شرایط تداوم سیاست‌های خصمانه غرب به این کشور، گزینه بسط روابط با روسیه را به مثابه انتخابی راهبردی در فرایند طرح‌ریزی و اجرای سیاست خارجی خود در نظر گرفت. حاصل این امر فراهم شدن فضایی مناسب برای توسعه و ارتقای روابط میان دو کشور در سال‌های پس از فروپاشی شوروی بود. این روابط در سطوح متفاوت و مختلف سیاسی، و اقتصادی و دفاعی مجال بروز پیدا کرد و چهره‌ای چندبعدی از تعامل یا همکاری‌های دوجانبه تهران و مسکو را به نمایش گذاشت. به همین دلیل، بررسی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره پساجنگ سرد تا حد زیادی مستلزم توجه به ابعاد و زوایای مختلف مربوط به روابط ایران و روسیه است.

از جمله جنبه‌های مهم روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه می‌توان به همکاری‌های دفاعی و نظامی میان این دو کشور اشاره کرد. بدون شک روسیه در سال‌های پس از فروپاشی شوروی مهم‌ترین شریک ایران در عرصه روابط دفاعی بوده است. در واقع بدون توجه کردن به ابعاد دفاعی و نظامی تعاملات ایران و روسیه، نمی‌توان تحلیل جامعی از کلیت و کیفیت روابط دو کشور طی سال‌های گذشته به دست داد. در این مقاله تلاش خواهد شد تا روابط دو طرف در مقوله‌های نظامی و دفاعی مورد بررسی قرار گیرد. این روابط دارای ابعاد

اقتصادی و سیاسی بااهمیتی است اما اصالتاً ماهیتی امنیتی دارد. در واقع ملاحظات امنیتی به طور اجتناب‌ناپذیری قابلیت اطلاق به روابط نظامی و دفاعی دو کشور را دارد. از این رو همکاری‌های نظامی ایران و روسیه طی سال‌های اخیر می‌تواند در چارچوب روابط امنیتی دو طرف نیز مورد بررسی قرار گیرد.

در عین حال پیوندهای امنیتی دو کشور فارغ از همکاری‌های نظامی آنها، گستره چندان بالایی نداشته است. در سطح روابط دوجانبه در خصوص برخی از موضوعات مورد نگرانی، همچون جلوگیری از ترانزیت مواد مخدر، صرفاً رایزنی‌ها و همکاری‌های محدودی میان دو کشور به عمل آمده است. در سطح ترتیبات امنیتی منطقه، دو کشور به رغم دارا بودن برخی منافع و علایق مشترک، هیچ‌گونه چارچوب سازمانی مشترک خاصی را برای همکاری امنیتی تعریف نکرده‌اند. به علاوه، جمهوری اسلامی ایران در هیچ‌یک از نهادهای امنیتی منطقه‌ای که به ابتکار روسیه در حوزه اوراسیای مرکزی (آسیای مرکزی و قفقاز) تأسیس شده‌اند (نظیر جامعه کشورهای مشترک‌المنافع) عضویت ندارد. ایران تنها چندسالی است که به عنوان عضو ناظر - و نه عضو اصلی - وارد سازمان همکاری شانگهای شده است.

از این رو موضوع تعاملات امنیتی جمهوری اسلامی ایران و روسیه را عمدتاً باید در چارچوب روابط دفاعی و نظامی دو کشور مورد بررسی قرار داد.

پیش از آغاز بحث می‌باید نکته مهم دیگری را نیز متذکر شد. مطالعه متون منتشر شده از سوی مراجع رسانه‌ای و دانشگاهی و پژوهشی غرب نشان می‌دهد که این منابع موضوع همکاری‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و روسیه را نیز در ذیل عنوان همکاری‌های نظامی دو کشور مورد بررسی قرار می‌دهند. منابع غربی در بررسی روند همکاری‌های نظامی تهران و مسکو، سطح این همکاری‌ها را متشکل از دو بخش متعارف و غیرمتعارف معرفی می‌کنند. بخش متعارف این همکاری‌ها مربوط به قراردادهای تسلیحاتی عادی است و بخش غیرمتعارف آن عمدتاً دربرگیرنده همکاری‌های هسته‌ای دو کشور است. در

چارچوب همین تقسیم‌بندی، موضوع غیرصلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تأکید غربی‌ها قرار می‌گیرد.

مطابق با قطع‌نامه‌های متعدد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هیچ‌گونه شواهد و مدارکی دال بر انحراف برنامه هسته‌ای ایران - و از جمله همکاری‌های اتمی ایران و روسیه به سمت مقاصد نظامی - وجود ندارد. از این رو مقاله حاضر با منتزع کردن موضوع همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه از روابط دفاعی و نظامی دو کشور و مفروض دانستن اهمیت فنی و صلح‌آمیز این همکاری‌ها و مشمول قلمداد کردن آن در حوزه مسائل به اقتصاد انرژی، از پرداختن به مباحث مربوط به همکاری‌های هسته‌ای دو کشور در ذیل روابط دفاعی و نظامی آنها خودداری می‌ورزد. به‌رحال گنجانیدن این مقوله در چارچوب تعاملات دفاعی و نظامی ایران و روسیه در واقع تأییدی بر ادعای غیرصلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. از این منظر، به اعتقاد نگارنده، پرداختن به موضوع همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه می‌بایست در چارچوب مباحث مربوط به روابط اقتصادی و فنی و تعاملات این دو کشور در حوزه انرژی به انجام رسد.

### ۱ سوابق همکاری‌های دفاعی - نظامی ایران و روسیه

همکاری‌های دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و روسیه طی سال‌های گذشته با فراز و نشیب‌های مختلف و متعددی مواجه بوده است. در حالی که در برخی از مقاطع سطح همکاری‌های دو طرف در این زمینه جهش و تحرک زیادی داشته، در مواردی نیز تحت تأثیر عوامل و متغیرهای مختلف و به‌ویژه فشارهای اعمال شده از سوی آمریکا بر ضد مسکو، فرایند توسعه این روابط با موانع و عوامل بازدارنده‌ای مواجه بوده است. با این حال مطالعه کلی روابط تهران و مسکو در این حوزه، از مطلوب بودن سطح همکاری‌های دفاعی دو طرف حکایت دارد. در واقع در سال‌های پس از فروپاشی شوروی، منحنی سطح روابط دو کشور در این حوزه به نفع ارتقای روابط آنها تغییر یافته و سیری صعودی داشته است.

در بررسی روابط دفاعی جمهوری اسلامی ایران و روسیه و در تقسیم‌بندی تاریخی از این روابط باید به نکته‌ای اساسی توجه داشت. هرچند تشکیل جمهوری فدراتیو روسیه در سال ۱۹۹۱ و همزمان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رخ نمود، اما بررسی جامع روابط نظامی این کشور با جمهوری اسلامی ایران مستلزم توجه به برخی از تحولات صورت گرفته در واپسین سال‌های حیات اتحاد جماهیر شوروی است. در طول این سال‌ها تعاملات جدیدی میان ایران و شوروی شکل گرفت، که نقشی مستقیم و تأثیرگذار بر روابط دفاعی تهران و مسکو در طول سال‌های پس از فروپاشی شوروی داشت. بدین ترتیب برای ارزیابی فرایندهای حاکم بر همکاری‌های دفاعی دو کشور در دهه ۹۰ میلادی، بررسی روابط ایران و شوروی در واپسین سال‌های دهه ۸۰ میلادی ناگزیر می‌نماید. در واقع در تقسیم‌بندی تاریخی روابط دفاعی ایران، همکاری‌های ایران با شوروی به عنوان مقطع اول این روابط جای بررسی دارد. انتقال تعهدات و مسئولیت‌های نظام اتحاد جماهیر شوروی به دولت فدراتیو روسیه، عملاً این دولت را طرف قرارداد کشورهای ساخت که در دوران جنگ سرد با شوروی معاهداتی را منعقد ساخته بودند. بدین ترتیب توافق‌های ایران با اتحاد شوروی در حوزه مسائل نظامی و دفاعی در سال‌های آخر حیات این اتحاد، مقدمه و موضوع همکاری‌های دفاعی تهران و مسکو در سال‌های پس از فروپاشی گردید.

به طور کلی همکاری‌های دفاعی تهران و مسکو طی دو دهه اخیر را می‌توان در دو مقطع «پیش از فروپاشی اتحاد شوروی» و «پس از آن» مورد مطالعه قرار داد، که هر یک مشخصه‌ها و زیرمجموعه‌های خاص خود را دربرمی‌گیرد.

## ۱-۱ پیش از فروپاشی اتحاد شوروی

### ۱-۱-۱ تشریح توافق‌های نظامی ایران و شوروی

به طور کلی در سال‌های پایانی حیات اتحاد جماهیر شوروی زمینه‌های مساعدی برای توسعه روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف به وجود آمد. زمانی که

گنورگی کورنیکو معاون نخست‌وزیر شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۸۶ به تهران سفر کرد، مقامات ایران نیز بیش از گذشته مایل به مذاکره با شوروی به منظور بستن برخی قراردادها با این کشور بودند. به همین دلیل در جریان این سفر دو طرف توافق کردند تا روابط اقتصادی و تجاری‌شان را توسعه دهند و از جمله به اجرای مشترک اکتشاف نفت در دریای خزر بپردازند. به علاوه، ایران از طریق موافقت با از سرگیری صادرات گاز طبیعی به اتحاد جماهیر شوروی که در سال ۱۹۸۰ متوقف شده بود، حرکتی دوستانه را به نمایش گذاشت (Edward, 2005, p. 2).

بروز این تحرکات در روابط میان دو کشور زمینه مساعدی را برای توسعه روابط آنها در حوزه‌های دیگر فراهم ساخت. در بخش همکاری‌های نظامی نیز دو طرف به توافق‌هایی مهم و تاریخی دست یافتند.

البته تا آنجا که به دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مربوط می‌شود، ایران در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در دوران حکومت شاه، بعد از هند و مصر سومین شریک تجاری اتحاد جماهیر شوروی در بین کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌آمد. تسلیحات شوروی برای اولین بار در سال ۱۹۶۷ به رژیم شاه عرضه گردید. اتحاد جماهیر شوروی پس از آنکه ایالات متحده تخصیص اعتبار به کارخانه فولاد اصفهان را رد کرد، اعتباراتی را به آن اختصاص داد؛ اما این امر موجب تغییر وفاداری ایران از ابرقدرت آمریکا به ابرقدرت شوروی نشد. اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۹ از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تا جایی که انقلابی ضدغربی بود، استقبال کرد. البته شوروی با توجه به روابط نزدیکش با عراق طی جنگ ایران و عراق سلاح‌های محدودی را به ایران فروخت. بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳ میزان فروش تسلیحات به ایران به ۶۱۵ میلیون دلار رسید، درحالی‌که در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ این رقم تنها ۵ میلیون دلار بود (Rivlin, 2005, p. 36).

رخداد مهمی که موجب گسترش جدی همکاری‌های نظامی دو طرف شد، سفر هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی به شوروی بود. در این سفر، که در ژوئن ۱۹۸۹ صورت گرفت، شماری از موافقت‌نامه‌های مهم میان دو کشور به امضا رسید.

همکاری در زمینه‌های نظامی از جمله توافق‌های دو کشور در این سفر بود. موافقت‌نامه‌های نظامی این اجازه را به ایران می‌داد که از مسکو هواپیماهای نظامی پیشرفته خریداری کند. این خریدها شامل هواپیماهای میگ - ۲۹ و سوخوی ۲۴<sup>۱</sup> بود (Freedman, 2000, p. 4). همچنین قراردادهای نظامی منعقد شده میان طرفین ایرانی و روسی شامل عرضه آتشبارهای ضد هوایی روسی، رادار پیشرفته، تانک‌های تی - ۷۲<sup>۲</sup>، نفربرهای زرهی، موشک‌های زمین‌به‌زمین و زیردریایی از نوع «کیلو»<sup>۳</sup> می‌شد (Cennady, 1999, p. 193). در پایان دیدار مذکور، بیانیه مشترکی میان طرفین به امضا رسید که اعلام می‌داشت اتحاد شوروی با تقویت ظرفیت نظامی جمهوری اسلامی ایران موافقت کرده است (Katzman, 2001, p. 3). به‌طور کلی سفر هاشمی رفسنجانی به شوروی نقطه عطف و رخداد تعیین‌کننده‌ای در توسعه همکاری‌های دفاعی و نظامی تهران و مسکو برای سال‌های بعد بود.

## ۲-۱-۱ عوامل مؤثر در توسعه روابط نظامی

پدیداری شرایط و فضای جدید و وقوع برخی از تحولات تعیین‌کننده تأثیر مستقیم و مؤثری بر بسط روابط نظامی ایران و شوروی داشتند. زمانی که میخائیل گورباچف در سال ۱۹۸۵ به قدرت رسید به تقویت تفکر جدید خود در زمینه سیاست خارجی شوروی پرداخت. اگرچه سیاست گورباچف در برابر ایران به‌طور اساسی تغییر نکرد اما وی خواستار تمرکز بیشتر بر همکاری اقتصادی دو جانبه به‌عنوان شیوه‌ای برای کنترل تقویت ارتش آمریکا در خلیج فارس بود. در نتیجه، تفکر جدید وی فرایند تغییر در نگرش ایران به اتحاد جماهیر شوروی را تسهیل کرد. این تغییر همچنین می‌تواند از طریق نیاز ایران به بازسازی اقتصادی، که در نتیجه جنگ با عراق تخریب شده بود، توضیح داده شود (Edward, Ibid., p. 2). با پایان جنگ، جمهوری اسلامی ایران نیاز به ترمیم و تقویت تجهیزات نظامی خود را

1. Mig 29 and Su 24 Aircraft

2. T-72 Tanks

3. Kilo Class Submarine

احساس کرد. این نیاز، ایران و شوروی را با فرصتی برای پیگیری منافع دوجانبه مواجه ساخت. تقویت نظامی آمریکا در خلیج فارس در طی جنگ ایران و عراق که با هدف حفظ جریان آزاد نفت در خلیج فارس صورت گرفت، این نگرانی را در مسکو به وجود آورد که آمریکا برای ایجاد نوعی برتری یا حوزه استراتژیک تلاش می کند. ایران تا حدودی به دلیل تلاش های آمریکا در دوره جنگ ایران و عراق برای جلوگیری جهانی از فروش های تسلیحاتی به این کشور، فاقد گستره ای وسیع از عرضه کنندگان مشتاق تسلیحات به ایران بود و اتحاد جماهیر شوروی نیز فروش های نظامی به ایران را به عنوان شیوه ای برای تعمیق نفوذ خود در خلیج فارس قلمداد می کرد (Katzman, Ibid., p. 2).

از دیگر تحولاتی که زمینه مناسبی را برای توسعه روابط ایران و شوروی فراهم آورد، پایان اشغال افغانستان بود. اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۸۸ خروج نیروهای نظامی خود را از افغانستان آغاز کرد. این اقدام می توانست دال بر پایان سیاست سرکوب اسلام به وسیله شوروی باشد (Edward, Ibid.). همان طور که اقدام به اشغال افغانستان با عدم استقبال مقامات جمهوری اسلامی ایران مواجه و حتی این اقدام از سوی تهران به عنوان نوعی تهدید تلقی گردید، پایان اشغال افغانستان نیز با استقبال ایران مواجه شد. خروج نیروهای شوروی از افغانستان به مثبت شدن ذهنیت مقامات ایران برای بسط روابط با مسکو کمک زیادی کرد. بروز چنین فضایی زمینه را برای افزایش رفت و آمدهای دیپلماتیک میان دو طرف فراهم ساخت. در ۲۶ فوریه ۱۹۸۹، ادوارد شوارد نادزه وزیر امور خارجه شوروی به تهران رفت و این فرصت را یافت تا با امام خمینی (ره) دیدار کند. شوارد نادزه پس از دیدار با امام اعلام داشت که این اتفاق «نقطه چرخش» تاریخی در روابط میان شوروی و ایران به حساب می آید (Timmerman, 1989). تحرک در روابط دو کشور ابعاد مختلفی پیدا کرد. تمایل برای بسط همکاری های دفاعی و نظامی، جنبه ای مهم از این روابط را تشکیل می داد و همان طور که پیشتر نیز تأکید شد، توافق های دفاعی دو کشور در سال های پایانی دهه ۸۰ بستر مناسبی را برای توسعه همکاری های ایران و روسیه در سال های پس از فروپاشی فراهم ساخت.



## ۱-۲ پس از فروپاشی شوروی

### ۱-۲-۱ تشریح توافقات

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل جمهوری فدراتیو روسیه نقطه عطف مهمی در تاریخ روابط تهران و مسکو محسوب می‌شود. پس از این تاریخ روابط میان دو کشور روند رو به رشدی یافت. در عرصه همکاری‌های نظامی و دفاعی نیز توافقاتی مهمی میان دو طرف به عمل آمد. در سال ۱۹۹۲ ایران و روسیه قراردادهایی را امضا کردند که تأثیر عظیمی بر روابط بلندمدت آنها داشت. یکی از آنها به قرارداد تسلیحاتی مهمی مربوط می‌شد که ارزش آن بین ۴ تا ۱۰ میلیارد دلار بود. مشخص شد که کالاهای مشمول این قرارداد از توافقاتی اولیه سال ۱۹۸۹ برای فروش تسلیحات سرچشمه می‌گرفت که شامل سه زیردریایی از نوع «کیلو»، تانک‌های تی - ۷۲، هواپیمای میگ ۲۹ و سوخوی ۲۴، پرتاب‌کننده‌های موشک و سلاح‌های دوربرد بود (Shearman, 1995, p. 273). توافقاتی ایران و روسیه در این زمینه‌ها نگرانی و مخالفت آمریکایی‌ها را در پی داشت. خریدهای ایران و فحواي استراتژیک آن، توجه فراوان آمریکا را در اوایل سال ۱۹۹۲ برانگیخت. در این سال رابرت گیتس رئیس وقت سیا به کمیته سرویس‌های مسلح مجلس نمایندگان<sup>۱</sup> این کشور ابراز داشت که ایران در حال برنامه‌ریزی برای هزینه سالیانه دو میلیارد دلار برای بازسازی زرادخانه متعارف خود و تلاش برای تبدیل شدن به قدرتی ممتاز و عمده در خلیج فارس است (Washington post, 1992).

بر همین اساس آمریکایی‌ها فشار خود را بر مقامات روسیه به منظور همکاری نکردن نظامی با ایران آغاز کردند. مقامات روسیه نیز که در آن زمان در پی تجدید روابط با غرب بودند، تا حدی به منویات آمریکایی‌ها توجه نشان دادند و در نهایت در سال ۱۹۹۵ در توافقی با آنها که به قرارداد گور - چرنومردین مشهورند، تعهد کردند تا از فروش‌های نظامی بیشتر به ایران خودداری ورزند. با این حال در نیمه دوم دهه میلادی مذکور همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه ادامه پیدا کرد. برخی از گزارش‌ها ارزش قراردادهای

1. House Armed Services Committee

تسلیماتی ایران و روسیه را طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹، دویست میلیون دلار اعلام کردند. این خود نشان‌دهنده همکاری نظامی گسترده دو کشور بود. از جمله روسیه در آماده‌سازی جت‌های ترانسپورت نظامی تی‌یو ۳۲۴ به ایران کمک می‌کرد (World Tribune, 2000). مقامات ایران و روسیه در اوایل ۱۹۹۷ برای بستن قراردادهای جدید ملاقات کردند. مطابق با برخی از گزارش‌ها، توافق‌های دوجانبه شامل انتقال احتمالی سخت‌افزارهایی از این دست بوده است:

هوایماهای تهاجمی سوخوی ۲۵؛

چرخ‌بال‌های ترانسپورت ام‌آی ۱۷؛

شمار نامعینی از تانک‌های تی ۷۲؛ و

رادارهای نظارت بر هوا (Bokhari, 2001).

در نوامبر ۲۰۰۰، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور وقت روسیه گام مهمی در جهت ارتقای روابط روسیه با ایران برداشت و از موافقت‌نامه گور - چرنومردین که ناظر بر عدم فروش سلاح‌های متعارف به ایران بود، صرف‌نظر کرد. این امر راه را برای دیدار ایگور سرگیف وزیر دفاع روسیه از تهران در دسامبر ۲۰۰۰ به‌منظور مذاکره برای احیای فروش‌های تسلیحاتی به ایران هموار ساخت. این سفر از آن رو اهمیت داشت که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی اولین بار بود که یک وزیر دفاع روسی از ایران دیدار می‌کرد. در مجموع، سرگیف و همتای ایرانی وی بر سر فروش‌های تسلیحاتی برای دوره‌ای ۱۰ ساله به ارزش بیش از سه میلیارد دلار به مذاکره پرداختند. همچنین دو طرف در مورد آموزش نیروها و مهندسان ایران در دانشکده‌های نظامی روسی مذاکره کردند. به‌علاوه، نمایندگان ایران و روسیه توافق کردند که دولت‌های‌شان در مورد دکترین‌های نظامی<sup>۱</sup> و همچنین چالش‌ها و تهدیدات مشترک<sup>۲</sup> به یکدیگر مشورت بدهند (RIA Novosti, 2000).

در پی دیدار سرگیف از تهران، محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران پیشنهاد پوتین را

---

1. Military Doctrines

2. Common Challenges and Threats

پذیرفت و در مارس ۲۰۰۱ دیداری رسمی از مسکو به عمل آورد. خاتمی در این دیدار در تلاش برای تقویت قدرت دریایی ایران در خلیج فارس، علاقه خود را برای خرید زیردریایی‌های بیشتر از روسیه اعلام داشت. به علاوه، وی بر علاقه ایران برای دریافت موشک‌های زمین به هوای تور - ام یک<sup>۱</sup> تأکید ورزید.

در سال ۲۰۰۱ برخی از منابع اعلام کردند که ایران پس از چین و هند بزرگ‌ترین واردکننده سلاح‌های روسیه است (Antonenko, 2001). همچنین روسیه شریک اصلی برنامه مدرنیزه کردن نیروهای مسلح ایران به شمار می‌آید.

در سال ۲۰۰۵ اعلام شد که ایران مجموعه‌های موشکی ضد هوایی با شعاع زیاد با نام‌های اس - ۳۰۰ - پی - ام - وای و اس - ۳۰۰ - پی - ام - وای ۲ و نیز مجموعه‌های ضد هوایی با شعاع محدود را از روسیه خریداری کرده است. ایران همچنین تمایل خود را برای خرید هر دو مجموعه موشکی باک - ۱ و موشک بالستیک کوتاه‌برد تاکتیکی اسکندر - E<sup>۲</sup> اعلام کرده است. به علاوه، نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به خرید سیستم‌های زمین به هوای موشکی و توپخانه‌ای تونگوسکا - ام<sup>۳</sup> و پنتسیر<sup>۴</sup>، که مجتمع صنعتی - نظامی روسیه تولید کرده است، علاقه نشان داده‌اند (Axis Information & Analysis, 2005).

نکته دیگر در خصوص همکاری‌های دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و روسیه، کمک احتمالی مسکو در توسعه برنامه موشکی ایران است. تولید و توسعه موشک شهاب مهم‌ترین برنامه موشکی ایران به شمار می‌رود. آمریکایی‌ها بارها روسیه را متهم به دخالت در این برنامه کرده‌اند. مسکو به‌طور غیرمستقیم تصدیق کرده است که از سوی برخی از مجموعه‌های روسی تکنولوژی موشکی به ایران انتقال داده شده است؛ اما دولت روسیه دخالت خود را در این زمینه رد کرد و گفت که به تعهداتش در زمینه رژیم کنترل تکنولوژی موشکی<sup>۵</sup> پایبند

1. Tor-M1 Surface-to-Air Missiles
2. Iskander-E
3. Tunguska-M
4. Pantsyr
5. Missile Technology Control Regime (MTCR)

است (Goldman, 1998) باین حال ایالات متحده آمریکا در مقاطع مختلف اقدام به تحریم چندین شرکت روسی به خاطر همکاری در برنامه موشکی ایران کرده است.

## ۲-۲-۱ عوامل مؤثر در توسعه همکاری نظامی

همکاری‌های نظامی - دفاعی ایران و روسیه در سال‌های پس از فروپاشی شوروی تحت تأثیر عوامل و متغیرهای مختلفی توسعه یافته است. تبیین علی توسعه همکاری‌های دوطرف در این حوزه موکول به شناخت و تشریح این عوامل است. به‌طور کلی مجموعه عوامل مؤثر در گسترش روابط نظامی و دفاعی ایران و روسیه را می‌توان در چارچوب سه سطح تحلیل مختلف و در مواردی مرتبط بررسی کرد.

### ۱-۲-۲-۱ سطح تحلیل کلان (جهانی)

تلاش آمریکا برای فراگیر ساختن و جهانی کردن نظم سیاسی - اقتصادی مورد نظرش از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تقویت روابط ایران و روسیه به‌شمار می‌رود. در بُعد نظامی، روند تک‌قطبی ساختن جهان متضمن تحرک خودمحرورانه ایالات متحده در معادلات میلیتاریستی جهانی است. آمریکا در صدد آن بوده است تا نقش برتر را در برخوردهای نظامی مربوط به کانون‌های بحران منطقه‌ای و جهانی ایفا کند. حضور همه‌جانبه در جنگ بالکان و یا حمله نظامی به عراق نمونه‌هایی از این واقعیت‌اند. این روند مورد مخالفت کشورهای نظیر ایران و روسیه بوده است. به‌ویژه روسیه که به‌طور سنتی یکی از طرف‌های تأثیرگذار در روند مناقشات نظامی جهانی است، تلاش آمریکا برای تک‌قطبی ساختن جهان را در تعارض با نقش تاریخی خود تفسیر می‌کند. از آلترناتیوهای مورد توجه روسیه در واکنش به یک‌جانبه‌گرایی فزاینده آمریکا، توسعه روابط با گروهی از کنشگران مخالف این روند در حوزه‌های استراتژیک - و از جمله در حوزه نظامی و دفاعی - بوده است. مخالفت با نظام تک‌قطبی، جهان‌بینی مشترک ایران و روسیه در نظام بین‌الملل است.

دارا بودن این رویکرد مشترک سبب گردید تا دو طرف، مستقل از خواست و اراده آمریکا، به تقویت روابط نظامی و دفاعی با یکدیگر پردازند.

#### ۲-۲-۱ سطح تحلیل میانی (منطقه‌ای)

وقوع برخی تحولات و تقویت شماری از فرایندها در محیط پیرامونی مشترک ایران و روسیه، به‌ویژه در حوزه اوراسیای مرکزی (آسیای مرکزی و قفقاز)، سبب گردید تا دو طرف رویکردی مثبت به تعمیق روابط خود از جمله در حوزه نظامی داشته باشند. مهم‌ترین این وقایع، در ادامه تشریح می‌گردند.

#### الف) گسترش ناتو به شرق

موضوع گسترش ناتو به شرق از جمله مهم‌ترین موضوعات نظام بین‌الملل در دوره پساجنگ سرد بوده است. بخش عمده‌ای از فرایند توسعه این اتحادیه، امکان حضور آن در فضای جغرافیایی حوزه شوروی سابق، و از جمله مناطق آسیای مرکزی و قفقاز بوده است. چنین چیزی، هم از سوی روسیه و هم از سوی ایران، منبع مهم نگرانی و حتی تهدید قلمداد می‌شد. برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که در سال‌های اولیه دهه ۹۰ انگیزه یلتسین رئیس‌جمهوری وقت روسیه از برقراری روابط استراتژیک با ایران، استفاده از این روابط به‌عنوان ابزاری برای مقابله با توسعه ناتو به سمت شرق بوده است (Freedman, Ibid., p. 5). اصرار مقامات ناتو برای توسعه این اتحادیه و نیز تمهیدات و ابتکارات مختلف ناتو در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، از جمله اجرای طرح مشارکت برای صلح<sup>۱</sup> در این مناطق، حساسیت روسیه و ایران را در پی داشت. روسیه به‌ویژه در اسناد رسمی مربوط به سیاست خارجی، صراحتاً توسعه ناتو به شرق را تهدیدی برای امنیت خود قلمداد کرد. در زمان حاضر موضوع الحاق احتمالی برخی از جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز به اتحادیه

ناتو از موضوعات مهم این مناطق به حساب می‌آید. هوپ‌شوفر دبیر کل ناتو قبلاً اعلام کرده بود که این اتحادیه، علاوه بر اوکراین به پذیرش آرزوهای گرجستان نیز (در زمینه پیوستن به ناتو) نزدیک شده است. بر همین اساس دولت گرجستان هم‌اکنون نسبت به کسب عضویت ناتو تا سال ۲۰۰۹ خوشبین شده است (CORSO, 2007). این در حالی است که به اعتقاد برخی از کارشناسان، منازعه نظامی اخیر میان گرجستان و روسیه بر سر منطقه اوستیای جنوبی، تمایل تفلیس را برای عضویت در ناتو به منظور مقاومت بیشتر در برابر مسکو، دوچندان کرده است.

به اعتقاد کارشناسان، تداوم سیاست توسعه طلبانه ناتو از محرکه‌های مهم در تقویت همکاری‌های نظامی و دفاعی ایران و روسیه است. خاستگاه این همکاری، اصل کلاسیک دریافت تهدید یا تصور تهدید مشترک دولت‌ها به عنوان محرکی برای توسعه روابط استراتژیک است.

#### ب) اوضاع افغانستان و تهدیدات ناشی از طالبان

در محافل کارشناسی اجماعی تأیید شدنی در این زمینه وجود دارد که قدرت‌یابی گروه افراط‌گرای طالبان در افغانستان، که هم روسیه و هم ایران آن را تهدیدی جدی قلمداد کردند، از عوامل مؤثر بر توسعه همکاری‌های دفاعی دو کشور در دهه ۹۰ میلادی بوده است. عملکرد طالبان از جهات مختلف پیامدهای منفی متعددی را برای امنیت دو کشور به همراه داشت. می‌توان در این زمینه به دخالت سازمان‌یافته طالبان در تولید مواد مخدر در افغانستان و ترانزیت آن از طریق ایران، آسیای مرکزی و روسیه اشاره داشت. این اقدام تهدید نرم‌افزاری عمده‌ای را متوجه کشورهای منطقه می‌کند. اهمیت این موضوع تا به آنجا بود که برخی از نمایندگان مجلس روسیه خواستار آن شدند تا در صورت موافقت ایران، تعدادی از نیروهای روسی به منظور بالا بردن ضریب امنیتی مرزهای شرقی ایران به این مناطق اعزام شوند. افراط‌گرایی مذهبی طالبان خطر دیگری برای ایران و به‌ویژه روسیه محسوب می‌شود.

روسیه بر این اعتقاد بود که برخی گروه‌های افراط‌گرا در آسیای مرکزی و نیز گروه‌های وهابی در قفقاز شمالی و به‌ویژه چچن مورد حمایت طالبان هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز ایدئولوژی ضدشیعی طالبان را به مثابه نوعی منبع تهدید محسوب می‌کرد. به‌طور کلی حاکمیت گروه طالبان در افغانستان تهدیدات عمده‌ای را متوجه ایران و روسیه ساخت. طالبان حتی در بهار سال ۱۳۷۹ خواستار خاتمه جنگ داخلی در افغانستان برای جنگ با روسیه شده بود. وجود چنین تهدیدی در منطقه، از دیگر محرک‌های مؤثر در تقویت همکاری نظامی و دفاعی ایران و روسیه بود.

### ج) تحرکات نظامی - امنیتی در آسیای مرکزی و قفقاز

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در سال‌های پس از فروپاشی شوروی محلی برای تحرکات نظامی بوده که برخی از آنها به ابتکار دست‌اندرکاران غربی به انجام رسیده است. به‌عنوان مثال، در سپتامبر ۱۹۹۷ رشته اقداماتی نظامی تحت عنوان «سنتراس بت - ۹۷»<sup>۱</sup> به‌وسیله گردان‌های کشورهای آسیای مرکزی با سربازانی از قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و آمریکا برگزار شد. این اقدامات با مخالفت هر دو کشور ایران و روسیه مواجه گردید. پس از یازدهم سپتامبر نیز فعالیت نظامی کنشگران غربی و به‌ویژه آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز افزایش گسترده‌ای یافت. ایالات متحده در دو جمهوری ازبکستان و قرقیزستان پایگاه نظامی تأسیس کرد. مانورهای نظامی متعددی نیز در منطقه با حضور سربازان و فرماندهان آمریکایی برگزار شد. علاوه بر آن، در پی اعلام تغییر آرایش نیروهای نظامی آمریکا در خارج از کشور، احتمال تأسیس پایگاهی نظامی از سوی ایالات متحده در جمهوری آذربایجان موضوعی جدی قلمداد گردید. دونالد رامسفلد وزیر دفاع وقت آمریکا تنها در عرض ۱۵ ماه سه بار به جمهوری آذربایجان سفر کرد. این رفت‌وآمدها مباحثات مربوط به احتمال تأسیس پایگاه نظامی از سوی آمریکا در آذربایجان را افزایش

داد. مجموعه این تحرکات، چه پیش از یازدهم سپتامبر و چه پس از آن، محرک دیگری برای تقویت همکاری‌های نظامی ایران و روسیه بود.

#### د) ملاحظات ژئوپلیتیکی روسیه

شماری از ملاحظات ژئوپلیتیکی روسیه مقوم فرایند همکاری این کشور با جمهوری اسلامی ایران در بخش دفاعی بوده‌اند. مسکو توسعه روابط با ایران را برای مدیریت امور اوراسیای مرکزی، که آن را حیاط خلوت خود قلمداد می‌کند، پیگیری کرده است. ایجاد نوعی ائتلاف در اوراسیا برای مقابله با برتری نظام آمریکا در این منطقه از اهداف استراتژیک مسکو در برقراری روابط نظامی با تهران بوده است (Cohen, 2001, p. 4). همان‌طور که ایالات متحده آمریکا از طریق بسط همکاری‌های نظامی و امنیتی با متحدان منطقه‌ای خود در پی تثبیت و تقویت نفوذ خود در اوراسیا بود، روسیه نیز به دنبال یافتن متحدان منطقه‌ای به منظور ایفای نقش سنتی خود در این حوزه و بسط تعاملات دفاعی با این متحدان می‌گشت.

روسیه حفظ روابط دوستانه با کشورهای هم‌مرز با حوزه دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع (سی - آی - اس)<sup>۱</sup> را به‌عنوان مسیری مهم در سیاست خارجی خود در نظر دارد. در میان این کشورها ایران که به‌عنوان قدرت منطقه‌ای نفوذی اساسی بر شرایط آسیای مرکزی و ماورای قفقاز دارد، یکی از اولین جایگاه‌ها را به‌خود اختصاص داده است. از ملاحظات ژئوپلیتیکی مهم روسیه در دوران پس از فروپاشی شوروی، که تأثیر مهمی بر گسترش روابط این کشور با ایران برجای گذاشت، موضوع احتمال گسترش افراط‌گرایی مذهبی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و شمالی بود. از نظر روسیه چنین اتفاقی به شدت مرزها و مناطق جنوبی روسیه را ناامن می‌ساخت. همکاری با ایران برای جلوگیری از چنین روندی نیاز فوری سیاست خارجی روسیه قلمداد می‌شد. در

---

1. Common Wealth of Independent States



سال‌های اولیه شکل‌گیری دولت‌های مستقل در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، حتی برخی از دولتمردان روسیه نگران صدور اسلام انقلابی از سوی ایران به این مناطق بودند. مسکو برقراری روابط تسلیحاتی و تکنولوژی با ایران را به‌عنوان بخش مهمی از تلاش برای تعدیل رفتار ایران در مناطق جنوبی روسیه در نظر گرفت. برخی از ناظران سیاسی بر این اعتقادند که روسیه به‌طور ضمنی فروش‌های تسلیحاتی و تکنولوژیک خود را به ایران، با سیاست بازداشتن ایران از دخالت در مسائل سیاسی جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی و قفقاز پیوند زد (Katzman, Ibid., p. 3). روسیه همچنین برای کاهش حساسیت‌های جهان اسلام نسبت به مسائل چچن، ناگزیر از برقراری روابط نزدیک با دولت‌های اسلامی مهمی چون ایران بوده است.

فراتر از حوزه اوراسیا نیز توسعه روابط استراتژیک با ایران متضمن حضور مؤثرتر مسکو در خاورمیانه بوده است. از نظر روس‌ها حفظ روابط و همکاری با ایران از جمله راهکارهایی برای ایجاد این اطمینان است که منافع مسکو در خاورمیانه مورد توجه قرار گیرد (Rivlin, Ibid., p. 40). حضور در این منطقه استراتژیک در چارچوب ملاحظات پساجنگ سردی روسیه در خصوص احیای موقعیت بین‌المللی این کشور اهمیت فراوان داشت. گسترش روابط دفاعی با جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کنشگران خاورمیانه مسیر تأمین این هدف را برای مسکو تسهیل می‌کرد.

#### ه) ملاحظات ژئوپلیتیکی ایران

تلاش برای شکست سیاست راهبردی آمریکا در زمینه انزوای ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران تأثیر مستقیمی بر افزایش تمایل تهران برای گسترش همکاری‌های دفاعی خود با روسیه داشت. توسعه روابط با مسکو در این زمینه گزینه تاکتیکی مطلوبی برای عدم موفقیت سیاست تحدید گرایانه واشینگتن بر ضد ایران محسوب می‌شد.

از طرف دیگر، تحولاتی که در ابتدای دهه ۹۰ در مناطق پیرامونی ایران رخ داد، این

کشور را با واقعیات ژئوپلیتیکی جدیدی مواجه کرد که همکاری دفاعی با روسیه را به منظور بازتطبیق با شرایط ژئوپلیتیکی جدید الزامی می‌ساخت.

از مهم‌ترین تحولات در این زمینه، می‌توان به پیامدهای جنگ اول آمریکا با عراق برای ترتیبات دفاعی و امنیتی حوزه خلیج فارس اشاره کرد. جنگ آمریکا با عراق تمایلی را در میان دولتمردان ایران برای افزایش همکاری‌های نظامی خود با روسیه به وجود آورد. پس از این جنگ، ایالات متحده به عنوان کنشگر مخاصم با ایران به قدرت اصلی نظامی در خلیج فارس تبدیل شد، به طوری که موافقت‌نامه‌های دفاعی مختلفی را با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس به امضا رساند که براساس آن تجهیزات نظامی آمریکا در منطقه استقرار می‌یافت. به عنوان مثال، به موجب این موافقت‌نامه‌ها عربستان سعودی حجم وسیعی از تسلیحات آمریکایی را به دست می‌آورد (Freedman, Ibid., p. 4). مسلح شدن شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به انواع سلاح‌های نظامی انگیزه‌ای را برای ایران فراهم ساخت تا به سیاست گسترش همکاری‌های نظامی با همسایه شمالی خود روی آورد.

همچنین با شکل‌گیری اتحادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جدید در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، از جمله شکل‌گیری محور آمریکا - ترکیه - اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران نسبت به هم‌گرایی غیررسمی با روسیه برای حفظ منافع ژئوپلیتیکی خود در این مناطق تمایل نشان داد. رویکرد مثبت مسکو به این هم‌گرایی استراتژیک نیز از عوامل مؤثر در تقویت همکاری‌های دفاعی تهران و مسکو در سال‌های پس از فروپاشی شوروی محسوب می‌شود.

### ۳-۲-۱ سطح تحلیل خرد (داخلی)

تبیین دلایل همکاری ایران و روسیه در حوزه روابط نظامی و دفاعی، علاوه بر استناد به عواملی که در چارچوب سطوح تحلیل کلان و میانی جای می‌گیرند، نیازمند توجه به مؤلفه‌ها و متغیرهایی است که در قالب سطح تحلیل خرد جای بررسی دارند. این سطح ناظر بر توضیح آن دسته از عوامل تسهیل‌کننده همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه است که بر نیازها و الزامات داخلی آنها مبتنی است.

### الف) نیاز ایران به تقویت توان دفاعی خود

شکل‌گیری دولت فدراتیو روسیه جدید درست در زمانی صورت پذیرفت که جمهوری اسلامی ایران تصمیم قاطع و اجتناب‌ناپذیری برای تجدید سازمان دفاعی خود گرفته بود. هشت سال جنگ تحمیلی ضرورت تقویت بنیان دفاعی و توان نظامی ایران را که تا حد زیادی مصروف جنگ با رژیم عراق شده بود، به مثابه نیازی فوری مطرح ساخته بود. بخشی از فرایند تقویت توان نظامی کشور با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی صورت می‌گرفت و بخش دیگری از آن موکول به تأمین تسلیحات و تکنولوژی نظامی خارج از کشور بود. کشورهای غربی که عمده فروش‌های تسلیحاتی دنیا را در اختیار داشتند، به دلایل سیاسی از ورود به همکاری‌های دفاعی و نظامی با جمهوری اسلامی ایران خودداری می‌کردند. در چنین شرایطی تمایل روسیه برای تعاملات نظامی با ایران بستر مناسبی را برای همکاری‌های دو طرف در این زمینه فراهم ساخت. در واقع ایران به روسیه به‌عنوان منبع باارزش تأمین تکنولوژی نظامی نگاه می‌کرد و این در شرایطی بود که کشورهای غربی از زمان انقلاب اسلامی تمایلی به تأمین این تکنولوژی برای ایران نداشتند (Cohen, Ibid., p. 3). در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور تسریع در فرایند احیای توان دفاعی متعارف خود ناگزیر از گسترش همکاری‌های نظامی با روسیه بود.

### ب) نیاز اقتصاد روسیه به فروش‌های تسلیحاتی

دولت روسیه در سال‌های گذشته اتکا به درآمدهای ناشی از فروش تسلیحات را به‌عنوان منبع مهمی برای بازسازی اقتصاد خود تعریف کرده است. در سال ۲۰۰۳ روسیه دومین عرضه‌کننده تسلیحات در جهان بعد از ایالات متحده آمریکا بود و نزدیک به ۴ میلیارد دلار از فروش‌های تسلیحاتی سالیانه خود به‌دست می‌آورد (Edward, Ibid., p. 8). برای دولت ولادیمیر پوتین، درآمدهای ناشی از فروش تجهیزات نظامی جایگاه ویژه‌ای داشت. در این میان سیاست روسیه معطوف به حفظ و حتی افزایش خریداران تسلیحات ساخت این کشور

بوده است. در همین زمینه، تلاش برای تداوم و توسعه همکاری‌های نظامی با جمهوری اسلامی ایران اولویت بالایی در ملاحظات سیاست خارجی روسیه داشت، چرا که ایران بازاری مهم برای تسلیحات روسیه به‌شمار می‌آمد.

## ۲ چشم‌انداز همکاری‌های دفاعی و نظامی ایران و روسیه

ترسیم چشم‌انداز ایران و روسیه در حوزه دفاع و امور نظامی، موکول به در نظر گرفتن شماری از متغیرها و مؤلفه‌های متباینی است که هر یک، بالقوه یا بالفعل، می‌توانند نقشی تأثیرگذار بر افزایش یا فرسایش روند همکاری‌های دو کشور در این حوزه داشته باشند. سناریوسازی در باب روابط دفاعی ایران و روسیه به طرز اجتناب‌ناپذیری نیازمند توجه به این عوامل و شناسایی میزان اثرگذاری آنها بر کیفیت تعامل دو کنشگر است. به‌طور کلی با مطالعه و بررسی مسائل و واقعیات حاکم بر روابط ایران و روسیه و همچنین تحولات جاری مرتبط با این روابط، می‌توان دو دسته از عوامل بازدارنده و پیش‌برنده روابط دفاعی ایران و روسیه را به‌شرحی که در پی می‌آید، شناسایی کرد.

### ۲-۱ عوامل بازدارنده (موانع)

روابط دفاعی جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراتیو روسیه از همان ابتدای شکل‌گیری با مجموعه‌ای از موانع مؤثر روبه‌رو بوده است. در شرایط فعلی نیز تداوم و توسعه این روابط با شماری از چالش‌ها و موانع مواجه است که امکان پی‌ریزی روابط نظامی و دفاعی گسترده و کامل میان دو کشور را محدود می‌سازد. مهم‌ترین این موانع، در ادامه بررسی می‌گردند.

#### ۲-۱-۱ مخالفت آمریکا

ایالات متحده آمریکا مهم‌ترین مخالف همکاری‌های نظامی متعارف جمهوری اسلامی ایران و روسیه بوده است. آمریکا جایگاه این همکاری را در مقابل سیاست پایدار خود مبنی بر تضعیف و انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران قلمداد می‌کند. اعلام توافقات دفاعی

میان ایران و روسیه، یا اعلام خبر عرضه تجهیزات نظامی روسی به ایران، همواره با موضع گیری منفی واشینگتن مواجه شده است. مخالفت با همکاری نظامی روسیه و ایران موضع مشترک همه دولت های آمریکا در دوره بعد از جنگ سرد بوده است. به عنوان مثال، در ۱۹ مارس ۲۰۰۱ کالین پاول وزیر امور خارجه وقت آمریکا، هم به روسیه و هم به ایران هشدار داد که واشینگتن به دقت همکاری نظامی آنها را زیر نظر دارد و در صورتی که فعالیت های آنها خاورمیانه را بی ثبات کند، دست به اقدام خواهد زد (Periscope Daily Defense News, 2001). تلاش مقامات آمریکا آن بود که در چارچوب سیاست های تشویقی و تنبیهی، روسیه را از همکاری نظامی با ایران منصرف سازند. آنها همچنین سعی داشتند تا سیاست مداران روسی را متقاعد سازند که تقویت نظامی ایران نه تنها برای امنیت نظام بین المللی بلکه حتی برای خود روس ها نیز تهدیدهای مهمی را ایجاد می کند. مقامات آمریکا در تلاش برای کاهش روابط تسلیحاتی و تکنولوژیک روسیه با ایران دائماً این احتمال را به هم تایان روسی خود گوشزد و تأکید می کردند که رنجش تاریخی ایران از اقدامات گذشته روسیه در این کشور، ممکن است روزی خود روسیه را به هدف سلاح های ایران تبدیل سازد (Katzman, Ibid., p. 3). علاوه بر آن، ایالات متحده مرتباً به اعمال قوانین فرامرزی برای محدود کردن روابط نظامی ایران و روسیه مبادرت ورزیده و مجلس یا کنگره این کشور هم قوانین متعددی را در این زمینه به تصویب رسانده است.

مجلس آمریکا در یکی از اولین اقدام ها، در سال ۱۹۹۲ قانون عدم تکثیر تسلیحات ایران و عراق<sup>۱</sup> را به تصویب رساند. این قانون تحریم هایی را بر ضد شرکت ها و کشورهای خارجی که از نظر دانشی یا مادی به تلاش های ایران یا عراق برای کسب انواع سلاح های متعارف پیشرفته کمک می کردند مقرر می داشت. ایالات متحده بعدها و در مقاطع مختلف چندین شرکت روسی را به اتهام همکاری نظامی با ایران مشمول تحریم های خود ساخت. این در

---

1. Iran-Iraq Arms Non-proliferation Act

حالی بود که مقامات روسی در بسیاری از موارد به رد ادعاهای آمریکا در خصوص همکاری دفاعی با ایران می پرداختند. برای مثال در سال ۱۹۹۷، روزنامه لس آنجلس تایمز روسیه را به فروش فناوری تولید موشک میانبرد روسی اس اس ۱۴ به ایران متهم ساخت. اما نماینده کمپانی تسلیحاتی روسی ذی ربط اظهار داشت که این شرکت چنین فناوری ای را به ایران منتقل نکرده است (Naumkin, 1998). با این حال، همان طور که اشاره شد، چندین شرکت تسلیحاتی روسی تاکنون مشمول تحریم های فرامرزی آمریکا بوده اند.

فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا بر روسیه در مواردی، مقامات روسیه را مجاب به تحدید همکاری های نظامی خود با ایران کرده است که از آن جمله می توان به توافق مسکو و واشینگتن در مورد کنترل فروش های تسلیحاتی روسیه به ایران، موسوم به قرارداد گور - چرنومردین در سال ۱۹۹۵، اشاره داشت. هرچند این فشارها هیچ گاه قطع کامل همکاری های نظامی میان ایران و روسیه را در پی نداشت، اما به نظر می رسد که در آینده و همزمان با توسعه روابط دو کشور در این حوزه، حجم فشارهای واشینگتن بر روسیه در زمینه کنترل همکاری های نظامی اش با ایران افزایش یابد. در چارچوب این فشارها، علاوه بر اعمال اقدامات تحریمی و تنبیهی بر ضد مسکو، پیش بینی می شود که مقامات آمریکا در جهت همراه کردن روسیه با منویات و ملاحظات خود در این حیطه، به تداوم و تقویت اقداماتی چون مخالفت با الحاق روسیه به سازمان تجارت جهانی بپردازند. از این رو تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا بر ضد روسیه می تواند از جمله چالش های فراروی توسعه روابط دفاعی تهران و مسکو در آینده به حساب آید.

## ۲-۱-۲ احتمال تشدید مناقشه هسته ای ایران

از دیگر عواملی که می تواند به عنوان چالشی جدی برای توسعه همکاری های نظامی ایران و روسیه در آینده مطرح شود، موضوع امکان توسعه مناقشه کنونی غرب با ایران بر سر

فعالیت‌های هسته‌ای است. چنانچه این مناقشه تا سرحد تنظیم قواعدی الزام‌آور برای تحدید همکاری‌های دفاعی کشورها با جمهوری اسلامی ایران به پیش رود، این امر به‌طور اجتناب‌ناپذیر تأثیری هر دم فزاینده و نامناسب بر همکاری‌های نظامی تهران و مسکو برجای خواهد گذاشت. پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در زمان حاضر در حال بررسی در شورای امنیت سازمان ملل - به‌عنوان مهم‌ترین مرجع مسئول در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی - است. صلاحیت گسترده این نهاد در حوزه صلح بین‌المللی آثار حقوقی گسترده‌ای دربردارد، که از جمله مهم‌ترین آنها الزام‌آور بودن مصوبات و مقررات این نهاد است. حتی سیاسی بودن ماهیت ورود به مسئله یا مناقشه‌ای مشخص، یا در پیش گرفتن معیارهای تبعیض‌آمیز و دوگانه در قبال آن، تأثیری بر جنبه حقوقی و الزام‌آور بودن تصمیمات این نهاد برجای نخواهد گذاشت. شورای امنیت در اولین مرحله از سیاست تقابلی خود با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تصویب قطع‌نامه ۱۷۳۷ را در دستور کار خود قرار داد که به موجب آن تحریم‌های محدودی بر ضد ایران به مرحله اجرا گذاشته شد. این تحریم‌ها در قطع‌نامه‌های بعدی شورای امنیت تا حدی افزایش یافت. مطابق با الگویی قابل پیش‌بینی، که مقامات غربی از آن پیشتر با عنوان «تحریم گام‌به‌گام» ایران یاد کرده‌اند، با عدم اجرای مصوبات شورای امنیت سازمان ملل از سوی جمهوری اسلامی ایران، که قائل به صلح‌آمیز و قانونی بودن برنامه هسته‌ای خود است، می‌توان انتظار داشت که دامنه تحریم‌های مورد نظر این شورا بر ضد ایران توسعه یابد و مصادیق گسترده‌تری شود.

در چنین فرایندی کشورها ملزم به تحدید همکاری‌ها و تبادلات خود با جمهوری اسلامی ایران در مصادیق مورد تحریم خواهند شد. در واقع عدم پذیرش حقوق هسته‌ای ایران از سوی قدرت‌های بزرگ و اصرار ایران برای تأمین این حقوق، خواه و ناخواه کنشگران غربی را به سمت اعمال فشار بیشتر بر ایران از مجرای شورای امنیت رهنمون خواهد ساخت. در این میان موضوع محدود ساختن امکان همکاری‌های دفاعی و نظامی با جمهوری اسلامی ایران ممکن است به‌عنوان یکی از ملاحظات مهم در قطع‌نامه‌های شورای

امنیت مورد توجه قرار گیرد. اعمال تحریم بر ضد ایران در حوزه دفاعی و نظامی، محدودیت‌های فراروی کنشگرانی همچون روسیه را که مایل به همکاری با ایران در این حوزه هستند، افزایش خواهد داد.

البته دولت روسیه به واسطه اهمیت زیادی که برای فروش‌های تسلیحاتی خود به ایران قائل است، به آسانی به تصویب قطع‌نامه‌ای در شورای امنیت که ناظر بر تحدید روابط نظامی با ایران باشد رضایت نخواهد داد. با این حال موقعیت بین‌المللی روسیه به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت به‌گونه‌ای است که امکان نادیده گرفتن مصوبات این نهاد از سوی مسکو را محدود می‌سازد. در واقع، روسیه به‌عنوان عضو دائمی شورای امنیت نمی‌تواند ناقض مصوبات این شورا باشد. از این رو در صورت عدم ایجاد مصالحه میان ایران و غرب بر سر مسئله هسته‌ای و روی آوردن شورای امنیت به در پیش گرفتن اقداماتی سختگیرانه‌تر در برابر ایران، به‌نحوی که متضمن تحریم همکاری‌های دفاعی و نظامی با کشورمان باشد، می‌توان محدودیت‌های بیشتری را برای آینده روابط دفاعی ایران و روسیه پیش‌بینی کرد.

### ۳-۱-۲ تأخیر روس‌ها در اجرای تعهدات استراتژیک

الگوی رفتاری روسیه در حوزه روابط استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران طی چند سال گذشته حاکی از آن است که این کشور تحت تأثیر عوامل و ملاحظات مختلف، اجرای تعهدات خود نسبت به ایران در حوزه تعاملات راهبردی را با تعلل و تأخیر فراوان به انجام می‌رساند. روس‌ها تاکنون در توجیه به تأخیر انداختن تعهداتشان در قبال ایران، به‌وجود مشکلات فنی استناد کرده‌اند. با این حال میان کارشناسان و ناظران سیاسی اجماع قاطعی در این زمینه وجود دارد که چنین تأخیری بیش از آنکه ریشه در عوامل و مسائل فنی داشته باشد، متأثر از ملاحظات و معادلات سیاسی حاکم بر روابط روسیه با جهان غرب است. در این چارچوب استدلال می‌شود که حساسیت بالای دولت‌های غربی و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا به افزایش قابلیت‌های دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و فشار این دولت‌ها بر



روسیه به منظور قطع همکاری استراتژیک خود با تهران، دلیل اصلی تعلل روسیه در برآورده ساختن تعهدات خود نسبت به ایران است.

پیگیری سیاست متوازن در عرصه سیاست خارجی از سوی روسیه، به نحوی که از تشدید تنش با غرب جلوگیری کند، این کشور را در مقاطع مختلف به سمت تأخیر در اجرای توافقات استراتژیک خود با ایران سوق داده است. نمونه آشکار چنین امری، موارد متعدد عدم پایبندی روسیه به تعهدات خود در قبال ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر است. در گذشته مواردی همچون عدم ارسال به موقع سوخت این نیروگاه، موجبات نارضایتی مقامات ایران را از عملکرد روسیه در قبال این پروژه فراهم ساخته بود. از دیگر نمونه‌های عدم پایبندی روسیه به تعهدات خود در قبال ایران، این است که آژانس انرژی اتمی فدرال این کشور در اوایل مارس ۲۰۰۷ اعلام کرد که راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر - که روسیه در حال ساخت آن است - به تعویق خواهد افتاد (Xinhua, 2007). البته راه‌اندازی آزمایشی این نیروگاه در اواخر سال ۱۳۸۷ به انجام رسید.

پیگیری چنین رفتاری از سوی روسیه می‌تواند عامل مؤثری در افزایش چالش‌های فراروی توسعه روابط استراتژیک ایران و روسیه باشد. هرچند تعلل روسیه در اجرای تعهدات استراتژیک خود در قبال ایران بیشتر در حوزه روابط هسته‌ای دو کشور است تا همکاری‌های دفاعی آنها، با این حال تأثیرات منفی این امر می‌تواند به کلیت همکاری‌های راهبردی آنها و از جمله در حوزه نظامی تعمیم یابد. این موضوع بعضاً از سوی مسئولان کشورمان نیز مورد تأیید قرار گرفته است. از جمله به گفته مخبر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در دوره گذشته، اقدام روسیه در به تأخیر انداختن ساخت نیروگاه بوشهر می‌تواند توازن در روابط دو کشور را برهم زند (Iran Mania, 2007). از این رو تأخیر در اجرای تعهدات روسیه در قبال ایران از جمله موانع بالقوه فراروی همکاری‌های دفاعی دو کشور به حساب می‌آید. به طور قطع تأخیر و تعلل مکرر از جانب روسیه، از اعتماد ایران به این کشور به عنوان شریک مطمئن استراتژیک خواهد کاست.

## ۲-۲ عوامل پیش‌برنده (محركه‌ها)

به‌رغم وجود برخی چالش‌های بازدارنده برای توسعه روابط دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و روسیه، محركه‌ها و عوامل مختلفی نیز وجود دارند که به امکان تداوم این روابط دامن می‌زنند. این عوامل را می‌توان به شرح ذیل توضیح داد:

### ۲-۲-۱ سیاست راهبردی روسیه در افزایش فروش‌های تسلیحاتی

بسیاری از کارشناسان بر این اعتقادند که با توجه به سیاست راهبردی روسیه برای سرمایه‌گذاری بیشتر در صنایع متعارف نظامی خود و اتکا بر فروش‌های تسلیحاتی به کشورهای مختلف و به‌طور خاص کشورهای غیرغربی، چشم‌انداز همکاری‌های نظامی ایران و روسیه کاملاً روشن به نظر می‌رسد. بازسازی اقتصاد روسیه یکی از اولویت‌های ملی اساسی این کشور به‌شمار می‌آید و تأمین و تسریع این هدف در گرو ایجاد و توسعه منابع مالی متنوع است. در این زمینه مسکو توجه ویژه‌ای را به جذب سرمایه خارجی از طریق فروش تجهیزات نظامی خود معطوف داشته است. روسیه در سال ۲۰۰۶، رقمی معادل ۶/۴ میلیارد دلار از فروش‌های تسلیحاتی خود به‌دست آورد و تلاش کرد تا این رقم را برای سال‌های بعد افزایش دهد (Faulconbridge, 2007). روس‌ها به‌منظور تأمین این هدف، دو سیاست اصلی را در دستور کار خود قرار دادند: نخست، حفظ بازار تسلیحاتی کنونی‌شان در کشورهای طرف قرارداد و جلوگیری از تبدیل آنها به مشتریان تولیدات نظامی غرب؛ و دوم، جست‌وجوی متقاضیان و خریداران جدید. روسیه در زمینه جست‌وجوی مشتریان تسلیحاتی جدید، در دو سال گذشته قراردادهای مهمی را با برخی از کشورهای آمریکای لاتین به امضا رسانده است. در سال ۲۰۰۶ روسیه صادرات نظامی فراوانی به آمریکای لاتین داشت که از آن جمله می‌توان به فروش یکصد هزار تفنگ کلاشینکف به ونزوئلا اشاره کرد. به علاوه، ونزوئلا ۲۴ فروند سوخوی ۳۰ و نیز ۵۳ هلیکوپتر نظامی از روسیه خریداری کرده است. در هنگام فروش سلاح‌های کلاشینکف به ونزوئلا، روزنامه واشینگتن تایمز گزارش داد که مسکو فروش‌های نظامی به آرژانتین را هم مدنظر دارد

(www.scoop.co.nz, 2007). مقامات روسیه این رویه را در قبال شمار دیگری از کشورهای منطقه از جمله پرو نیز در نظر دارند.

روسیه بر همین اساس و در چارچوب سیاست حفظ مشتریان تسلیحاتی خود، اهمیت بالایی را برای تداوم همکاری‌های نظامی با کشورهای چین و هند و جمهوری اسلامی ایران قائل است. این خود محرک مناسبی را برای توسعه همکاری‌های نظامی ایران و روسیه در آینده فراهم می‌سازد.

### ۲-۲-۲ تداوم محدودیت در روابط استراتژیک ایران با غرب

روند حاکم بر روابط ایران و کشورهای غربی حاکی از آن است که به دلیل تداوم - و در مواردی تشدید - اختلافات ایران و غرب بر سر موضوعات و مقولات مختلفی چون حقوق بشر یا موضوع صلح خاورمیانه یا افزایش مجادله بر سر مباحثی همچون فعالیت‌های هسته‌ای تهران، چشم‌انداز مثبت و مساعدی برای ترمیم و بهبود روابط ایران با کشورهای غربی تا سطحی که متضمن همکاری آنها در حوزه‌های دفاعی و نظامی باشد، ترسیم شدنی نیست. کشورهای بزرگ غربی در زمره مهم‌ترین عرضه‌کنندگان تسلیحات در دنیا هستند و می‌توانند به عنوان منابع اصلی تأمین تجهیزات دفاعی و نظامی مورد توجه دولت‌های متقاضی قرار گیرند. اما نوع روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی امکان همکاری‌های دفاعی و نظامی را میان تهران با این کشورها ایجاد نمی‌کند. اصولاً جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعه قدرت‌های غربی را شرکایی قابل اعتماد در حوزه روابط استراتژیک قلمداد نمی‌کرد و این به دلیل نوع سیاست‌های تقابلی و تخصمی این قدرت‌ها در برابر جمهوری اسلامی ایران بود.

در چنین وضعیتی روسیه در جایگاه یکی از معتبرترین عرضه‌کنندگان صنایع و فناوری نظامی، به عنوان گزینه‌ای مناسب برای همکاری دفاعی از سوی ایران انتخاب شد. در واقع بخشی از دلایل توسعه همکاری‌های نظامی ایران با روسیه در سال‌های پس از فروپاشی شوروی، با در نظر گرفتن نوع روابط ایران و دولت‌های اروپایی تبیین شدنی است.

همان‌طور که پیشتر هم اشاره شد، با توجه به افزایش پیچیدگی روابط میان ایران و دولت‌های غربی - و از جمله دولت‌های اروپایی - بر سر فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان، پیش‌بینی می‌شود که تجربه عدم همکاری‌های دفاعی ایران و این کشورها برای سال‌های بعد نیز تداوم داشته باشد. این موضوع سبب می‌شود تا جمهوری اسلامی ایران همچنان در حوزه همکاری‌های دفاعی توجه ویژه‌ای را به روسیه معطوف دارد. در واقع شرایط یاد شده موقعیت منحصر به فردی را برای روسیه فراهم می‌کند تا همچنان به عنوان مهم‌ترین گزینه در روابط خارجی دفاعی ایران مطرح باشد.

### ۳-۲-۲ تثبیت نسبی رهیافت عمل‌گرایان ملی‌گرا در سیاست خارجی روسیه

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، مقامات کرملین را با واقعیات ژئوپلیتیکی جدیدی مواجه ساخت. رویارویی با تحولات جدید بین‌المللی سبب گردید که نخبگان سیاسی و فکری روسیه در زمینه تجویز بهترین و مؤثرترین راهبردها برای جهت‌گیری فرامرزی این کشور درگیر مناظره و مجادله‌ای عمیق گردند. بر این اساس مجادلات، ظهور مکاتب فکری مختلفی بود که هر یک تجویزها و ملاحظات خاص خود را در عرصه سیاست خارجی داشتند. به‌طور کلی در طول سال‌های پس از فروپاشی شوروی، سه جریان فکری اصلی در سیاست خارجی روسیه مطرح بوده است: آتلانتیک‌گرایی، نئوآوراسیاگرایی محافظه‌کار، و عمل‌گرایی ملی‌گرا.

طرفداران رویکرد اول یا آتلانتیک‌گرایان، افراد به شدت غرب‌گرای هستند، طرفدار سرسخت مشارکت استراتژیک با ایالات متحده آمریکا. برای مثال، آنها بر این نکته اصرار دارند که استقرار و حضور سربازان آمریکایی در آسیای مرکزی و قفقاز، تهدیدی را در برابر منافع روسیه مطرح نخواهد کرد. غرب‌گرایان به تأیید این امر گرایش دارند که پس از پایان جنگ سرد، روسیه می‌تواند به‌عنوان شریک و متحد تازه آمریکا در نظام بین‌الملل وارد عمل شود. آنها پی‌ریزی روابطی نزدیک با دولت‌هایی را که از نظر آمریکا مسئله‌دار قلمداد می‌شوند، سیاستی اشتباه برمی‌شمارند و معتقدند که چنین اقدامی از توسعه روابط با واشینگتن جلوگیری می‌کند. به اعتقاد غرب‌گرایان، تهدیدی که متوجه روسیه است، خطر

فاجعه هسته‌ای یا حمله آمریکا و ناتو نیست، بلکه تهدید اصلی برای امنیت روسیه همانا اسلام‌گرایی است، مرزهای جنوبی این کشور خاستگاه آن‌اند.

دومین گروه ذی‌نفع قدرتمند را نئو اوراسیایی‌گرایان محافظه‌کاری تشکیل می‌دهند که دیدگاه‌شان در مقابل نگرش غرب‌گرایان قرار دارد. آنها به موضوع دخالت آمریکا در مسائل جامعه دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع که به‌طور سنتی در حوزه نفوذ روسیه قرار دارد، ایراد و تشکیک می‌ورزند و ایده مشارکت با آمریکا را رد می‌کنند. البته آنان موضوع هم‌گرایی مسکو با سازمان‌ها و نهادها و مجامع تحت تسلط غرب - نظیر گروه هشت - را می‌پذیرند، اما معتقدند که در فرایند هم‌گرایی با غرب، رفتار مسکو به لحاظ نظامی باید رفتاری رقابتی باشد و نه همکاری جویانه.

نئو اوراسیایی‌گرایان معتقدند که سیاست خارجی روسیه باید تهدیدات مختلفی را برای آمریکا و غرب در بخش‌های مختلف دنیا ایجاد کند و پس از آن وارد روند شدید چانه‌زنی شود (Torbakov, 2002). اوراسیا‌گرایان به بازیابی قدرت روسیه، به‌نحوی که مانع از ایجاد جهانی تک‌قطبی تحت استیلای آمریکا گردد، گرایش دارند و به همین منظور از برقراری روابط نزدیک با کشورهای چینی و ایران حمایت می‌کنند.

بانفوذترین گروه در تنظیم سیاست خارجی روسیه طی چند سال اخیر، گروه موسوم به عمل‌گرایان ملی‌گرا بوده است. این گروه تفوق آمریکا در سیاست بین‌الملل را به رسمیت می‌شناسد، ولی با این حال معتقد است که روسیه حق اعمال اراده در حوزه نفوذ مربوط به خود را دارد. البته اهرم سیاسی روسیه نباید نیروی نظامی آن باشد، بلکه - به اعتقاد این گروه - باید وابستگی اقتصادی کشورهای عضو جامعه مستقل مشترک‌المنافع به مسکو باشد (امیری، ۱۳۸۱).

عمل‌گرایان اعتبار زیادی برای منافع ملموس روسیه قائل‌اند و به مزیت اقتصادی سیاست‌ها توجه خاصی دارند. این گروه در مقایسه با رویکرد آتلانتیک‌گرایان و نیز اوراسیا‌گرایان، تعصبات ایدئولوژیکی کمتری دارد. عمل‌گرایان ضمن اعتقاد به حفظ روابط مطلوب و کم‌تنش با غرب، از تداوم همکاری با کنشگرانی چون ایران و چین که می‌توانند

علاوه بر ایجاد منافع اقتصادی برای مسکو ملاحظات ژئوپلیتیکی این کشور در آسیای مرکزی و قفقاز را نیز تأمین کنند، استقبال می‌کنند. به‌طور مشخص آنها خواستار تداوم و توسعه همکاری‌هایی هستند که در تسهیل روند جذب منابع و سرمایه برای این کشور مؤثر است. عمل‌گرایی ملی‌گرا اساساً با روی کار آمدن دولت ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور روسیه قوام یافت. در واقع پس از روی کار آمدن وی، سیاست خارجی مسکو بیش از هر رویکرد دیگری از رهیافت عمل‌گرایان تأثیر پذیرفت. اصالت دادن به منافع ملی به‌جای منافع ایدئولوژیکی بزرگ‌ترین شاخص رویکرد عمل‌گرایی ملی‌گرا در روسیه به‌شمار می‌رود. در شرایط فعلی و به‌رغم پایان یافتن دوران ریاست جمهوری پوتین، این اعتقاد وجود دارد که رویکرد مذکور به‌طور نسبی موقعیت تثبیت‌یافته‌ای در دکترین سیاست خارجی روسیه پیدا کرده است و این امر ناشی از افزایش کامیابی‌های روسیه در نظام بین‌الملل در دوره پوتین در قیاس با دوره‌های قبلی است. سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین در مقایسه با دوران یلتسین ثبات و کامیابی بالاتری یافت، به‌گونه‌ای که بسیاری از کارشناسان این دوره را آغازی برای بازیابی نقش و موقعیت و منزلت بین‌المللی روسیه قلمداد کرده‌اند. به همین دلیل، اعتقاد بر این است که رویکرد عمل‌گرایان در عرصه نظام بین‌الملل در سال‌های آینده نیز خط فکری اصلی جریان سیاست خارجی این کشور خواهد بود و این خود به معنای تثبیت رویکرد مذکور در جهت‌گیری فرامرزی روسیه است.

در چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد که تقویت رهیافت عمل‌گرایی در سیاست خارجی روسیه می‌تواند از برخی جهات متضمن تداوم روابط دفاعی این کشور با جمهوری اسلامی ایران باشد. نظریه آتلانتیک‌گرایان که معتقدند به‌منظور عدم ایجاد حساسیت نزد شرکای غربی نباید از تدارک پیوندهای استراتژیک با کشورهای چوچون ایران استقبال کرد، مورد قبول عمل‌گرایان نیست. آنها به منافع ملموس ناشی از این پیوندها و از جمله جذب منابع خارجی، بیشتر اهمیت می‌دهند. در واقع تقویت رویکرد عمل‌گرایان در حوزه سیاست خارجی عمدتاً از این جهت که به کاهش نفوذ آتلانتیک‌گرایان در این حوزه منجر

می‌شود، فرصتی برای تداوم همکاری‌های دفاعی تهران و مسکو به حساب می‌آید، چرا که آتلانتیک‌گرایان مطلقاً به پی‌ریزی روابط راهبردی با کشورهای چوَن ایران اعتقاد ندارند. به‌طور کلی تثبیت نسبی عمل‌گرایی در سیاست خارجی روسیه در کنار سایر مؤلفه‌هایی که تحت عنوان عوامل پیش‌برنده از آنها یاد شد، محرکی مؤثر برای توسعه روابط نظامی ایران و روسیه در سال‌های آینده خواهد بود. قیاس کیفی مجموعه عوامل بازدارنده و پیش‌برنده، از برتری نسبی عوامل محرک روابط دو کشور در آینده حکایت دارد، چرا که هر دو کنشگر، نفع عمده‌ای در تداوم و توسعه روابط متعارف نظامی دارند. در شرایط عادی، منافع ناشی از حفظ این روابط بر هزینه‌های آن تفوق می‌یابد. بسیاری از عوامل و ملاحظات که محرک توسعه روابط نظامی ایران و روسیه طی چند سال گذشته بوده‌اند، کماکان پایدار باقی مانده‌اند. پایداری این عوامل تضمینی برای تداوم همکاری‌های دفاعی تهران و مسکو است.

به همین دلیل، بالقوه می‌توان چشم‌انداز مساعدی را از ادامه همکاری‌های دوطرف در این حوزه ترسیم کرد. با این حال، وقوع برخی تحولات و وقایع اساسی می‌تواند روند قابل انتظار توسعه روابط دفاعی دو طرف را معکوس سازد. چنانچه این تحولات به تغییر اساسی فضای موجود بیانجامند، عاملی برای توقف همکاری‌های دوطرف خواهند بود. در زمان حاضر اتفاقی که بتواند چنین ظرفیت دگرگون‌سازی داشته باشد، ممکن است از بطن مناقشه هسته‌ای موجود بیرون آید. چنانچه سطح اختلافات میان ایران و کشورهای غربی تا حد وضع تحریم‌های گسترده برضد ایران ادامه یابد، می‌توان انتظار داشت که همکاری‌های دفاعی و نظامی تهران و مسکو متوقف شود، چرا که بخش عمده‌ای از تحریم‌های گام به گام اعمالی شورای امنیت بر ضد جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مربوط به ایجاد محدودیت در همکاری‌های نظامی و دفاعی با کشورمان باشد. تحریم همکاری‌های دفاعی به واسطه اهمیت بالای آن، حتی مقدم بر اعمال تحریم‌های تجاری است. از این رو روند غیرمصالحه‌آمیز کنونی در خصوص مناقشه هسته‌ای ایران و غرب، در صورتی که با تصویب تحریم‌های گسترده‌تر شورای امنیت برضد

کشورمان همراه باشد، می‌تواند به متوقف شدن همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه منجر شود. طبعاً در صورت حل این مناقشه، چالش اصلی برای تداوم همکاری‌های نظامی دو طرف نیز مرتفع خواهد شد.

### ۳ تأثیر همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه بر ترتیبات امنیتی منطقه

تعامل و همکاری میان کنشگران نظام بین‌الملل در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف، می‌تواند بسته به سطح و دامنه همکاری، دربردارنده آثار و پیامدهای متفاوتی باشد.

درخصوص دولت‌ها به‌عنوان کنشگران اصلی نظام جهانی، دامنه این اثرگذاری می‌تواند سطح حداقلی یا حداکثری داشته باشد. مراد از سطح حداقلی دامنه تأثیرگذاری تعاملات، مربوط به اثرپذیری صرف کشورهای است که موضوع همکاری هستند. ازاین‌رو همکاری دو یا چند کشور درخصوص موضوعی خاص ممکن است صرفاً دربردارنده آثار و پیامد برای همان کشورها باشد و دامنه تأثیرگذاری این همکاری‌ها از مرزهای جغرافیایی آنها تجاوز نکند. سطح حداکثری دامنه تأثیرگذاری تعاملات، ناظر بر اثرپذیری کشورها و مناطق دیگری است که در زمره طرف‌های متعهد به یک توافق یا تعامل نیستند، اما به‌طور اجتناب‌ناپذیری از آن منتفع یا متضرر می‌شوند و یا در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرند. به‌ویژه در حوزه توافق‌های حاد و پراهمیتی چون مقوله‌های نظامی و دفاعی، معمولاً دامنه اثرگذاری همکاری دولت‌ها سطح حداکثری می‌یابد.

با توجه به این چارچوب کلی، بخش مهمی از مباحث مرتبط با همکاری‌های دفاعی و نظامی ایران و روسیه مربوط به آثار و پیامدهای این همکاری است که خود می‌تواند در دو سطح متفاوت مورد بررسی قرار گیرد. نخست، سطح مربوط به آثار داخلی همکاری‌های ایران و روسیه که مشخصاً به مسائل داخلی هر یک از این دو کشور مربوط می‌شود؛ و دوم، سطح مربوط به آثار فرامرزی همکاری‌های دو کشور که بر پیامدهای حداکثری تعاملات دفاعی دو کشور دلالت دارد. در بخش دوم مهم‌ترین موضوع همانا تأثیر همکاری‌های نظامی



ایران و روسیه بر نظام امنیت منطقه‌ای است که شاخص عمده‌ای برای سنجش عیار و اهمیت همکاری‌های دو کشور به‌شمار می‌آید.

تأثیر همکاری‌های نظامی تهران و مسکو بر نظام امنیت منطقه‌ای را می‌توان با در نظر داشتن ملاحظات ژئوپلیتیکی در چند سیستم تابعه منطقه‌ای مختلف نظیر اوراسیای مرکزی و خاورمیانه و نیز حوزه خلیج فارس مورد بررسی قرار داد. هریک از این مناطق می‌توانند به‌دلیل قرابت‌های جغرافیایی که با دو کشور دارند مورد مطالعه قرار گیرند. اما از میان مناطق یاد شده، منطقه اوراسیای مرکزی (آسیای مرکزی و قفقاز) به‌دلیل مجاورت با هر دو کشور روسیه و ایران، پتانسیل بیشتری برای تأثیرپذیری از تعاملات دو کشور دارد. اساساً مطالعات معطوف به تبیین تأثیرات منطقه‌ای روابط تهران و مسکو بر بررسی این تأثیرات در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز تمرکز دارد. دلیل این امر ارتباط ژئوپلیتیکی وثیق دو کشور با منطقه است. روسیه، همسایه شمالی منطقه اوراسیای مرکزی است و ایران همسایه جنوبی آن؛ وضعیت پتانسیل تأثیرپذیری منطقه از تعاملات تهران و مسکو را افزایش می‌دهد. از این رو، مقاله حاضر نیز بر میزان اثرپذیری نظام امنیتی اوراسیای مرکزی از همکاری‌های دفاعی و نظامی ایران و روسیه تمرکز دارد.

### ۳-۱ تبیین نظام امنیت منطقه‌ای اوراسیای مرکزی

مطالعه روندها و فرایندهای امنیتی حاکم بر منطقه اوراسیای مرکزی، از وجود ترتیبات امنیتی مختلفی در این منطقه حکایت دارد. به‌طور کلی در دوره پسا جنگ سرد، سه دسته از ترتیبات امنیتی مختلف در اوراسیای مرکزی شکل گرفته است که در کنار هم نظام امنیتی این منطقه را سامان داده‌اند.

#### ۳-۱-۱ ترتیبات امنیتی مبتنی بر نقش هژمونیک کنشگران سنتی

این ترتیبات را کنشگران سنتی منطقه و به‌ویژه روسیه که حوزه اوراسیای مرکزی را حیاط خلوت استراتژیک خود قلمداد می‌کند، ایجاد کرده‌اند. روسیه از طریق فعال کردن

چنین ترتیبات نهادی‌ای در پی حفظ اوراسیای مرکزی در مدار نفوذ خود و تضمین فضای عملیاتی‌اش در منطقه بوده است. جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (سی. آی. اس.) از جمله تمهیدات اصلی و اولیه مسکو در حوزه شوروی سابق بوده است. نهاد امنیتی مربوط به این جامعه به نام سازمان پیمان امنیت جمعی<sup>۱</sup> از ترتیبات امنیتی مهم منطقه اوراسیای مرکزی به‌شمار می‌آید. سازمان همکاری شانگهای<sup>۲</sup> از دیگر ترتیبات امنیتی مهم در این منطقه است که شکل‌گیری آن از نقش و اراده کنشگران سنتی مهم منطقه سرچشمه می‌گیرد. این سازمان مورد حمایت مشترک روسیه و چین است. به‌طور کلی هدف اصلی از ایجاد چنین سازمان‌هایی حفظ ابتکار عمل تنظیم ترتیبات امنیتی منطقه نزد کنشگران سنتی این حوزه است، تا از این طریق زمینه برای نقش‌آفرینی و نفوذ کنشگران غربی در منطقه کاهش یابد.

### ۲-۱-۳ ترتیبات امنیتی مبتنی بر نقش هژمونیک کنشگران غربی

آسیای مرکزی و قفقاز به‌دلیل دارا بودن پتانسیل‌های مختلف فرصت‌ساز، از همان ابتدای فروپاشی شوروی به‌طور گسترده‌ای مورد توجه قدرت‌های غربی قرار گرفتند. این قدرت‌ها با هدف دستیابی به اهداف بلندمدت استراتژیک در زمینه‌های متنوع سیاسی و اقتصادی، تدارک نفوذ مطمئن در این مناطق را در دستور کار قرار دادند. نتیجه کار، پی‌ریزی ترتیبات نهادی مختلف در منطقه از سوی دولت‌های غربی بود. علاوه بر اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی به‌منظور تسهیل و تسریع تحقق این اهداف، ایجاد ترتیبات امنیتی در اوراسیای مرکزی نیز از تمهیدات اصلی این دولت‌ها به‌حساب می‌آید. از مهم‌ترین اقدامات امنیتی دولت‌های غربی در منطقه، فراهم کردن زمینه‌های نزدیکی دولت‌های آسیای مرکزی و قفقاز به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بود. اجرای طرح «مشارکت برای صلح» در منطقه از سوی اتحادیه ناتو از مهم‌ترین برنامه‌های امنیتی

1. Collective Security Treaty Organization  
2. Shanghai Cooperation Organization

غرب در منطقه بود. اجرا و پیگیری چنین طرحی، از زمینه‌های مهم افزایش حضور غرب در معادلات امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز به‌شمار می‌آید.

سازمان امنیت و همکاری اروپا<sup>۱</sup> نیز از دیگر نهادهای غربی فعال در معادلات امنیتی اوراسیای مرکزی و به‌ویژه منطقه قفقاز جنوبی است. این سازمان در یک دهه اخیر در مناقشات و کشمکش‌های موجود در این منطقه، به‌ویژه مناقشه دیرپای قره‌باغ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، نقش فعالی ایفا کرده است. در زمان حاضر گروه مینسک<sup>۲</sup> که به نمایندگی از این سازمان به پیگیری مسائل مربوط به مناقشه قره‌باغ می‌پردازد، به مهم‌ترین نهاد فرامنطقه‌ای ذی‌مدخل در این مناقشه تبدیل شده است.

### ۳-۱-۳ ترتیبات امنیتی مبتنی بر گرایش‌های مرکزگرایانه

شماری از جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز از ابتدای استقلالشان از اتحاد جماهیر شوروی، به در پیش گرفتن گرایش‌های مرکزگرایانه در تنظیم سیاست خارجی‌شان تمایل داشته‌اند. نگرانی از استیلای روسیه بر امور و شئون این منطقه، محرک روی آوردن این کشورها به در پیش گرفتن چنین رویکردی بود. این جمهوری‌ها بیم آن داشتند که سابقه طولانی حضور روسیه در منطقه در کنار برتری قابلیت‌های نظامی و اقتصادی این کشور، موجبات سلطه مجدد مسکو را بر امور مناطق آسیای مرکزی و قفقاز فراهم کند. از آنجا که تحمیل چنین سلطه‌ای تهدید بالقوه فضای عملیاتی جمهوری‌های منطقه در عرصه سیاست خارجی را در پی داشت، تمایل برای در پیش گرفتن جهت‌گیری‌های مرکزگرایانه نزد برخی دولت‌های منطقه قوت گرفت. نتیجه امر، گرایش به پی‌ریزی روابطی نزدیک‌تر با کشورهای غربی به‌عنوان راهکاری برای متوازن کردن سیاست خارجی خود در برابر روسیه بود.

در بُعد امنیتی، چنین گرایشی موجبات تقویت پیوندهای نظامی و دفاعی دوجانبه برخی جمهوری‌های منطقه با کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا را فراهم ساخت. کشورهایی

1. The Organization for Security and Cooperation in Europe

2. Minsk

همچون جمهوری آذربایجان، گرجستان (به ویژه پس از وقوع انقلاب رنگی در این کشور) و ازبکستان (تا قبل از وقایع اندیجان در سال ۲۰۰۵) در خط مقدم تقویت ارتباطات دوجانبه نظامی و امنیتی با ایالات متحده آمریکا بودند. به طور کلی پس از ۱۱ سپتامبر، راهبرد مبارزه با تروریسم موجبات تقویت پیوندهای امنیتی و نظامی آمریکا را با این جمهوری‌ها فراهم ساخت.

در مجموع، عقد قراردادهای نظامی دوجانبه میان جمهوری‌های منطقه با کشورهای غربی - و به طور خاص آمریکا - از روندهای امنیتی پراهمیت در منطقه اوراسیای مرکزی به حساب می‌آید.

گرایش به در پیش گرفتن سیاست‌های مرکز‌گريزانه از سوی برخی جمهوری‌های منطقه، نزدیکی آنها به اتحادهای درون منطقه‌ای روس‌گريز - نظیر اتحادیه گوم - را نیز در پی داشته است. این اتحادیه‌ها هم در نتیجه تمایل کشورهای منطقه برای خارج شدن از مدار نفوذ و استیلای روسیه موجودیت یافته‌اند.

نظام امنیتی حوزه اوراسیای مرکزی، عمدتاً از ترکیب این سه دسته از ترتیبات امنیتی در منطقه سامان یافته است. از این رو شرایط و وضعیت چنین نظامی به طور گسترده‌ای با رقابت‌های جاری در این حوزه، که از سوی کنشگران درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای صورت می‌گیرد، ارتباط یافته است. بر همین اساس، تغییر نظام توازن قدرت به سود یا زیان هر یک از طرف‌ها می‌تواند بر ترتیبات امنیتی منطقه تأثیر عمده‌ای برجای نهد؛ کما اینکه در سال‌های اولیه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، حضور نظامی گسترده آمریکا و متحدان آن در اوراسیای مرکزی، ترتیبات امنیتی این منطقه را به نفع غرب متحول کرد؛ اما افزایش مشکلات آمریکا در عراق و کاهش توجه این کشور به منطقه - در کنار تحولاتی چون تعطیلی پایگاه نظامی آمریکا در ازبکستان یا تقویت سازمان همکاری شانگهای و پیروزی اخیر روسیه بر گرجستان در جنگ بر سر اوستیای جنوبی - موجبات تحول مجدد نظام امنیتی منطقه را به سود کنشگران سنتی و به زیان کنشگران غربی فراهم ساخت.

### ۲-۳ تأثیر همکاری‌های ایران و روسیه بر نظام امنیتی اوراسیای مرکزی

در این خصوص که همکاری‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران و روسیه چه تأثیری بر نظام امنیتی منطقه خواهد داشت، باید اظهار داشت که طبعاً تقویت چنین روابطی، بالقوه و با در نظر گرفتن ملاحظات دیگر، می‌تواند فرصتی برای تقویت بلوک امنیتی، که خواستار عدم دخالت کنشگران غربی در معادلات امنیتی منطقه است، باشد. پیوندهای دفاعی میان ایران به‌عنوان همسایه جنوبی منطقه اوراسیای مرکزی با روسیه - به‌عنوان همسایه شمالی آن - می‌تواند محدودیت‌های فراوی کنشگران غربی را برای دخالت در امور امنیتی منطقه افزایش دهد، چرا که هر دو کنشگر بر اساس منافع ژئوپلیتیکی و ملاحظات سیاسی، تأکیدشان بر جلوگیری از دخالت کنشگران غربی در مسائل و ترتیبات امنیتی این منطقه است. از نظر تهران و مسکو، حضور کنشگران غربی در آسیای مرکزی و قفقاز، افزایش پیچیدگی معادلات امنیتی منطقه و تطویل مشکلات و مناقشات موجود در آن را به همراه خواهد داشت. همان‌طور که اشاره شد، تقویت هم‌گرایی میان این دو کنشگر که ملاحظات و مواضع نسبتاً مشترکی در قبال مسائل امنیتی منطقه دارند، بالقوه می‌تواند چالش‌های فراوی حضور کنشگران غربی را در ترتیبات امنیتی منطقه افزایش دهد. با این حال، تحقق عملی چنین امری تا حد زیادی نیازمند تدبیر هر دو کشور برای ایجاد پلی پیوندساز میان همکاری‌های دفاعی‌شان با پوشش‌های امنیتی منطقه است.

در عین حال، تقویت همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه چنانچه به افزایش نفوذ آنها در معادلات امنیتی اوراسیای مرکزی منجر شود، می‌تواند به تحریک کنشگران رقیب برای تمهید ابتکارات مقتضی به منظور بهبود موقعیت آنها در امور امنیتی منطقه بیانجامد. در این زمینه دولت‌های غربی با هدف حفظ نظام توازن قدرت و جلوگیری از فرسایش نفوذ خود در منطقه به تقویت ترتیبات امنیتی مورد حمایتشان در منطقه خواهند پرداخت. بدین ترتیب ممکن است آنها در پی ارتقای سطح همکاری‌های دفاعی دوجانبه - یا چندجانبه - با کشورهای منطقه برآیند.

همچنین برخی از جمهوری‌های اوراسیای مرکزی که نگرانی افزایش نفوذ ایران یا روسیه را در منطقه دارند، ممکن است در مسیر تقویت پیوندهای امنیتی دوجانبه خود با غرب حرکت کنند. دو جمهوری آذربایجان و گرجستان که در منطقه قفقاز جنوبی واقع شده‌اند، بیشترین استعداد را برای پیگیری چنین سیاستی خواهند داشت. جمهوری آذربایجان، دو ملاحظه اراضی و سیاسی نسبت به جمهوری اسلامی ایران دارد. این دو ملاحظه در چارچوب نگرانی‌های منطقه‌ای دولتمردان باکو قرار می‌گیرند. در مورد ملاحظات معطوف به تمامیت ارضی، گفتنی است که آذربایجان از ابتدای فروپاشی شوروی، نگران طرح برخی از مسائل و واقعیات تاریخی منطقه بوده است. تعلق تاریخی این جمهوری به ایران، مقامات آذری را نگران این امر می‌ساخت که ایران نهایتاً در اندیشه الحاق مجدد آذربایجان به سرزمین خود برآید. به لحاظ سیاسی نیز مقامات این کشور از ابتدای استقلال از شوروی، نگران تقویت اسلام سیاسی در آذربایجان بودند و بیم آن داشتند که گروه‌های اسلامی در این کشور با الهام از ماهیت دینی نظام سیاسی ایران در پی تقویت موقعیت خود برآیند.

دولتمردان آذربایجان در طول این سال‌ها، علاوه بر این، از جانب روسیه نیز نگرانی‌هایی داشتند که مهم‌ترین آنها امکان احیای سلطه روسیه بر امور و شئون این کشور بود. جمهوری گرجستان نیز به طور خاص از جانب روسیه احساس تهدید داشته است. مقامات این کشور از دیرباز تأکید می‌کردند که مسکو از دو منطقه جدایی طلب گرجستان - یعنی آبخازیا و اوستیای جنوبی - حمایت می‌کند. اختلاف دو طرف در این زمینه، بارها به بروز تیرگی و تنش شدید میان آنها منجر شده بود. در نهایت، اقدام دولت ساکاشویلی در حمله به منطقه جدایی طلب اوستیای جنوبی و پاسخ شدید روسیه به این اقدام در ماه اوت ۲۰۰۸، دو کشور را وارد جنگی تمام‌عیار اما کوتاه‌مدت کرد که به عقب‌نشینی نیروهای حکومت مرکزی گرجستان از اوستیای جنوبی انجامید.

در مقابل این نگرانی‌ها، دو جمهوری آذربایجان و گرجستان سیاست تقویت روابط سیاسی و امنیتی با غرب را در پیش گرفتند. در چنین شرایطی، افزایش همکاری‌های نظامی

ایران و روسیه می‌تواند نگرانی این دو جمهوری را از توسعه نفوذ امنیتی تهران و مسکو در منطقه در پی داشته باشد. این امر تأثیری فزاینده بر افزایش تمایل آنها برای گسترش پیوندهای امنیتی‌شان با غرب خواهد داشت.

در عین حال باید تأکید کرد که همکاری‌های نظامی و دفاعی ایران و روسیه در شرایطی می‌تواند ظرفیت اثرگذاری فراوانی بر ترتیبات امنیتی اوراسیای مرکزی پیدا کند، که در وهله نخست سطح این همکاری‌ها از سطح کنونی آن فراتر رود؛ دوم، این همکاری‌ها با فرایندهای امنیتی جاری در این منطقه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم پیوند داده شود. تا زمانی که همکاری‌های دفاعی دو کشور به ایجاد پیمان مشترک امنیتی میان ایران و روسیه منجر نشود، نمی‌توان انتظار چندانی برای تأثیرگذاری حداکثری آن بر ترتیبات امنیتی منطقه داشت.

### نتیجه‌گیری

همکاری‌های دفاعی و نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و دولت روسیه، بخشی مهم و اساسی از کلیت روابط دوجانبه آنها در دوره پس از فروپاشی شوروی به حساب می‌آید. این بخش از روابط ایران و روسیه در کنار همکاری آنها در حوزه انرژی هسته‌ای، در واقع بُعد استراتژیک روابط تهران و مسکو را تشکیل می‌دهد. از ابتدای فروپاشی شوروی، مقامات روسیه و ایران با هدف تأمین برخی اهداف راهبردی، توسعه همکاری‌های دفاعی با یکدیگر را مورد توجه قرار دادند. جمهوری اسلامی ایران از طریق تدارک همکاری‌های نظامی با روسیه، در پی دستیابی به اهدافی نظیر تقویت سازمان دفاعی خود در دوره پس از جنگ تحمیلی، یا بی‌اثر کردن سیاست‌های تخاصمی آمریکا در زمینه انزوای استراتژیک ایران بوده است. روسیه نیز در چارچوب سیاست تسهیل فرایند بازسازی اقتصاد خود، از جمله از طریق افزایش فروش‌های تسلیحاتی به کشورهای نظیر ایران و نیز تقویت روابط با کنشگران مخالف با نظم تک‌قطبی و یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا، به تدارک و توسعه تعاملات نظامی با جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

در شرایط کنونی، پایداری این ملاحظات در دواير سياست گذاري دو کشور، زمينه و بستر مناسبی را برای تداوم همکاری آنها در حوزه دفاعی و نظامی فراهم می‌کند. این امر می‌تواند مؤید وجود چشم‌اندازی روشن از تداوم و توسعه تعاملات متعارف نظامی تهران و مسکو، به‌رغم برخی موانع بازدارنده - همچون مخالفت‌های فزاینده آمریکا - باشد. با این حال، مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند روند قابل انتظار توسعه روابط دفاعی ایران و روسیه را متوقف سازد، احتمال اوج‌گیری مناقشه کنونی بر سر فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. همان‌طور که پیشتر هم اشاره شد، چنانچه تشدید این مناقشه متضمن اقدام شورای امنیت در تصویب قطع‌نامه‌هایی دال بر تحریم همکاری‌های نظامی با ایران باشد، این امر می‌تواند چالشی برای توسعه سطح تعاملات دفاعی تهران و مسکو به حساب آید. در غیر این صورت - همان‌طور که تجربه نیز تأیید می‌کند - سایر عوامل بازدارنده، نظیر مخالفت‌های آمریکا، ظرفیت کاملی برای قطع همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه ندارند.

توسعه روابط دفاعی ایران و روسیه، علاوه بر پیامدهایی که برای هریک از این دو کنشگر به همراه دارد، می‌تواند دارای آثار بالقوه‌ای برای نظام امنیتی حوزه اوراسیای مرکزی به‌عنوان محیط امنیتی مشترک هر دو کشور نیز باشد. این روابط می‌تواند محکی برای کنشگران مرکز‌گرای منطقه به منظور افزایش همکاری‌های دفاعی و نظامی‌شان با کنشگران فرامنطقه‌ای و به‌ویژه دولت‌های غربی باشد. در ضمن، رقابت ژئوپلیتیکی دولت‌های غربی با روسیه در این منطقه واکنش احتمالی آنها را به توسعه روابط دفاعی مسکو و تهران، در شکل تقویت ترتیبات امنیتی مورد حمایت خود در اوراسیای مرکزی، به دنبال خواهد داشت.

با این حال افزایش دامنه تأثیرات همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه بر نظام امنیتی اوراسیای مرکزی، به‌ویژه از حیث بهبود موقعیت بلوک کنشگرانی که خواستار حفظ ابتکار تنظیم ترتیبات امنیتی این حوزه نزد کنشگران سنتی منطقه هستند، مستلزم تمهید اقدامات مؤثر از سوی هر دو کنشگر برای مرتبط ساختن گستره این همکاری‌ها با معادلات و محاسبات امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز است.



## منابع و مأخذ

امیری، مهدی، ۱۳۸۱. «ملاحظات بر سیاست خارجی روسیه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر»، *اطلاعات*، ۱۳۸۱/۹/۲۳.

- Antonenko Oxana, 2001. "Russia's Military Involvement in the Middle East", *Middle East Review of International Affairs*, Vol. 5, No. 1, (www. Meria, biu, ac, il).
- Axis Information and Analysis, 2005. "Russia and development of the Iranian missile program", 07/06/2005.
- Bokhari, Eas, 2001. "Russian Arms & Technology Transfers to Iran". *Defense Journal*, August.
- Cennady Chutrin, 1999. "Russia and Asia: The emerging security agenda", Oxford University Press.
- Cohen Ariel, 2001. "Countering Russian - Iranian Military Cooperation", The Heritage Foundation, April 5.
- Corso Molly, 2007. "Georgia: Nato Membership by 2009", *Eurasia Insight*, 2/27/2007.
- Edward Maj, 2005. "Russian-Iranian Relations", *Outlook for Cooperation, Strategic Insights*, Volume IV, Issue 8.
- Faulconbtidge Guy, 2007. "Russia to boost arms sales to \$ 7. 5 bln in 2007", *Reuters*, February 20.
- Freedman Robert, 2000. "Russian-Iranian relations in the 1990", *Middle East Review of International Affaris*, Vol. 4, No. 2, June, 2000.
- Goldman Stuart, 1998. "Russian Missile Technology and Nuclear Reactor Transfers to Iran", *Congressional Research Service*, December 14,
- Iran Mania, 2007. "Delay in Bushehr may Reverse Balance of Ties", March 13, 2007.
- Katzman Kenneth, 2001. "Iran: Arms and Technology Acquisitions", *Congressional Research Service*.
- Naumkin Vitaly, 1998. "The Russian - Iranian Relations: Present Status and Prospects for the Future", May.
- Periscope Daily Defense News, 2001. "Powell Warns Russia and Iran", March 20.
- RIA Novosti, 2000. "Russia, Iran to Resume Large-Scale Military Cooperation", December 28, 2000.
- Rivlin, Paul 2005. "The Russian Economy and Arms Exports to the Middle East", *Memorandum*, No. 79.

- Shearman, Peter, 1995. "Russian Foreign Policy Since 1990", Boulder, Westview Press.
- Timmerman Kenneth R., 1989. "Iran Shows its Soviet Sympathies", The Wall-Street Journal, March 10, 1989.
- Torbakov Igor, 2002. "Disparate Interest Groups Grapple to Shape Russian Foreign Policy", Eurasia Insight, 9/9/2002.
- Washington Post, 1992. "Gates Warnes of Iranian Armes Drive", March 28, 1992.
- World Tribune, 2000. "Russia, Iran agree to expand nuclear cooperation". 19/2/2000.
- www.scoop.co.nz, 2007. "COHA Report: Russia Returns to Latin America", 22 February.
- Xinhua, 2007. "Russia to Delay Launch of Irans Bushehr Plant", 03/13/2007.



## قابل توجه محققان، استادان و نویسندگان

فصلنامه مجلس و پژوهش آماده دریافت مطالب و مقالات علمی شماست.

### لطفاً در نوشتن مقاله نکات ذیل را رعایت کنید:

۱. ساختار مقاله طبق روش علمی شناخته شده‌ای باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ داشته باشد.
۲. روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.
۳. چکیده بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه به زبان فارسی تهیه شود و ترجمه انگلیسی عنوان مقاله و چکیده آن نیز الزامی است.
۴. در پایان چکیده، آوردن کلیدواژه‌های مربوط به آن مقاله الزامی است.
۵. ذکر عنوان شغلی به همراه نشانی الکترونیکی الزامی است.
۶. حجم مقاله تایپ شده از ۲۵ صفحه A4 بیشتر نشود.
۷. در مقابل اطلاعات، آمار و هرگونه ادعایی، منبع به صورت دقیق ذکر شود. این بند شامل جداول و نمودارها نیز می‌شود.
۸. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پایین هر صفحه (در قسمت زیرنویس) ضروری است.
۹. منابع مورد استفاده در مقاله باید درون‌متنی و به شکل زیر نوشته شود:  
**الف) برای کتاب:** نام‌خانوادگی نویسنده، سال انتشار: شماره صفحه. مثال: سمیر، ۱۳۸۲: ۷۵.  
**ب) برای مقاله:** نام‌خانوادگی نویسنده، سال انتشار: شماره صفحه. مثال: نازپرور، ۱۳۸۱: ۴۸-۴۵.  
لازم به ذکر است که در صورت تکرار پی‌درپی (بدون فاصله) منابع، کلمه همان با شماره صفحه و در لاتین نیز به «Ibid» و شماره صفحه اکتفا شود.
- ج) منبع لاتین:** ذکر منابع لاتین نیز همانند منابع فارسی است، یعنی اگر از منبعی به شکل مستقیم استفاده شد، لازم است با مشخصات کامل قید شود.
۱۰. هرگونه توضیح اضافی و ضروری به صورت زیرنویس آورده شود.
۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع مورد استفاده فارسی و لاتین جداگانه به شکل زیر ارائه شود:  
**الف) کتاب:** نام‌خانوادگی، نام، سال. **عنوان کتاب، نام و نام‌خانوادگی مترجم (در صورت لزوم)**، محل انتشار، ناشر. **مثال:** امین، سمیر، ۱۳۸۲. **سرمايه‌داری در عصر جهانی شدن**، ناصر زرافشان، تهران، آگه.  
**ب) مقاله:** نام‌خانوادگی، نام، سال. «عنوان مقاله»، نام و نام‌خانوادگی مترجم (در صورت لزوم)، نام مجله، سال یا دوره، شماره. **مثال:** نازپرور، بشیر، ۱۳۸۱. «خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر در آن»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵۳.

## برگ اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب سیبا ۲۰۰۹۲۰۰۴۲۸۰۲۱۷، به نام سایر منابع مرکز پژوهش‌ها نزد بانک ملی شعبه بلوار کشاورز کد ۱۹۰ واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

**بهای اشتراک:** ۶ شماره ۹۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۲۰۰۰ ریال.

ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.

نشانی: تهران، خیابان وصال شیرازی، تقاطع خیابان ایتالیا، شماره ۵۴، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر فصلنامه مجلس و پژوهش.

### برگ درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ..... ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است

به تعداد ۶ یا ۱۲ شماره فصلنامه مجلس و پژوهش را به نام ..... به

نشانی زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی: ..... شغل: ..... تحصیلات: .....

نشانی: .....

کد پستی: ..... تلفن: ..... دورنگار: .....

E-mail: .....